

**نابودن بان جنگ ؛
هرگ بر خه میسبی
زنده بان صلح و آزادی**

نبرد خلق

**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**

دوره چهارم - سال پنجم
اول خرداد ۶۸ - شماره ۵۹

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

تلاشهای مذبوحانه خمینی

رژیم خمینی در بن بست و بحران لاعلاج همچنان دست و پا میزند. از این ستون به آن ستون و از این روز به آن روز مسائل خود را رفع و رجوع می کند. در این میان خمینی آرام و فرار ندارد. هر لحظه باید بفکر گرگ های گرسنه درون رژیمش باشد که مبادا همدیگر را بدرند. وضعیت خمینی اکنون بصورتی در آمده که هر چند گاه باید جام زهری را بنوشد تا بتواند رژیم رویه تلاشی خود را نجات دهد. کار افلاک رژیم خمینی بجایی کشیده شده که بسیاری از معتقدان دیروز، باید امروز در انتظار جوبه دار روز شماری کنند. سوی تعفن دستگاه ارتجاعی و ضد تاریخی "ولایت مطلقه فقیه" آنچنان همگی فضای جامعه ما را فرا گرفته که دیگر خود خمینی راهم بفکر اصلاح این ربهاله دان تاریخ ایران انداخته است. قانونی که محصول جهل، فساد، تعفن و لجن دستگاه آخوندی و ولایت فقیه بود، به چنان کاغذ پاره ای بی مصرفی تبدیل شده که دیگر حتی عقب افتاده ترین آخوندهای وابسته به رژیم نیز آنرا جدی نمی گیرند. بن بست های بیشمار رژیم خمینی سران جنبشکار دستگاه ولایت فقیه را بفکر ایسند انداخته تا دستگاه قرون وسطایی و ملوک الطوائفی رژیم را بشکلی متضمرکز نمایند. مسائلی که رژیم با آن روبروست، نه مسائل فردا، بلکه دقیقاً مسائل همین امروز و همین لحظه است. حتی مساله جانشینی خمینی که از نظر حقوقی مسالهای مربوط به آینده است، در حقیقت مساله امروز رژیم خمینی است. شاید خمینی وقتی می خواست زهر قبول قطعنامه ۵۹۸ را بنوشد، دقیقاً فکر نمی کرد که به چنین روزی بيفتد. عملیات کبیر فروغ جاویدان بسا رویاهای او را نقش بر آب نمود. عزل منتظری با آنچه تبدیلات که قبلاً در رابطه با ایسند "آیت" ساختگی "الله" و این "پاره" تن "روح الله" شده بود، ضربه بسیار کاری به رژیم، آنچه از درون، وارد آورد. سیستم رویه تلاشی خمینی که اکنون برای همه ثابت شده که هیچ راه حل اصلاحی ندارد، آنچنان به بن بست در صفحه ۲

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

خمینی، نه جنگ، نه صلح.

و برای مصون ماندن موقتی از سرنگونی ادامه می دهد به دنبال بی حاصل ماندن چهارمین دور مذاکرات ژنو. مقاومت ایران همچنانکه تاکنون به گرات حاضر نشان کرده است، بار دیگر تاکید می کند تا رژیم خمینی که پیوسته برای ادامه حکومت خود به جنگ و اختناق متکی بوده است - در ایران بر سر کار می باشد، هیچ امکانی برای استقرار صلح پایدار وجود ندارد. قناباتی از قبیل سلمان رشیدی و ناصح نماینده ویژه ای از سوی خمینی در رأس صلح پاداران و حذف منتظری پهلوی جز دوری هر چه بیشتر از مسیر صلح نداشته. رژیم خمینی که ابتدا سراجاً به بهانه های ماه رمضان خواستار به تعویق انداختن گفتگوهای ژنو بود، پس از حذف منتظری بخاطر عادی جلوه دادن اوضاع، اینبار فقط به منظور دفع الوقت و بدست آوردن یک فرصت زمانی دیگر به ژنو رفت تا بتواند وضعیت نه جنگ، نه صلح را تا انتخابات ریاست جمهوری رژیمش و حل و فصل مسالهای جانشینی خمینی و تعیین دولت جدید ادامه بدهد. در حال حاضر وضعیت "نه جنگ، نه صلح" برای رژیم خمینی کم فرزندترین وضعیت ممکن است. زیرا خمینی را از عواقب از سرگرفتگی جنگ یا استقرار صلح که در هر حال به سرنگونی رژیمش منجر می شود، موقتاً مصون می دارد.

مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی
۱۳۶۸/۲/۲۴

■ اخباری از قتل عام زندانیان سیاسی
تاریخ: ۱۳۶۸
■ اطلاعیه
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت) - تهران واحد
فدایی شهید مسعود اسکندری
در صفحه ۸

دیروز کسروی، امروز رشیدی
به قلم عبدالعلی معصومی
به نقل از: ماهنامه شورای ملی مقاومت
شماره ۴۶ - دی تا اسفند ۱۳۶۷
در صفحه ۱۰

مردم ایران
رژیم خمینی در مبادله اسرای جنگی، به اشکال مختلف کارشکنی می کند. ما مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را بصورتی قبول مبادله کامل اسرای جنگی بنمایید.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

عوام فریبی زیر پوشش دفاع از «گلاسنوست»

در مقاله اخیر این جریان، ضمن چشمک و چراغ زدن به جریانان منحط و بی پرستی که به شبهه حزب توده، اکنون دنباله روی بی چون و چرا از "گلاسنوست" و "پروستریکا" رایضه کرده اند، به دروغ ما را متهم به این می کند که ما "گلاسنوست" را با "آنتی کمونیسم" یکی گرفته ایم. برای اینکه روشن شود جریان سازشکار و مذاکره جوکه حضرات هر اصولی را فدای ساقع حقیرگروھی خود کنند، تاچه میزان با پرستیهای اصولی دارند نظرات دیگران بیکانه است، ابتدا جملاتی از این مقاله که مربوط به مانت را مرور می کنیم.

نشریه "گوردستان" ارگان کمیته مرکزی طرفداران کنگره هشتم حزب دمکرات در شماره ۱۲۸ (فوروردیسی ۱۳۶۸) مقاله ای تحت عنوان "بحران در سازمانهای چپ گرا" چاپ نموده که عمق بیکانگی این جریان را با عادی ترین پرستیدهای سیاسی نشان می دهد. مقاله ظاهراً به انعکاس "گلاسنوست" و "پروستریکا" در سازمانهای مدعی مارکسیسم - لنینیسم در ایران می پردازد. میزان "دمکراتیک" بودن طرفداران کنگره هشتم، طی چندسال گذشته بارها به اثبات رسیده است، تهدیدی که اخیراً این جریان پیشمرگان حزب دمکرات گردستان ایران - رهبری انقلابی را نموده است، آخرین نمونه از خورارها نمونه است.

استراتژی رفرم - تاکتیک فشار

نگاهی به پلنوم شهریور ۶۷ جریان موسوم به اکثریت

این چنین است که اکثریت جهت رسیدن به اهداف خائنانه و رفرمیستی اش جریان های ضد انقلابی همچون "بخت" و "جمعیت" را "دمکرات" و "مستقل" و "صلح خواه" معرفی می نماید. مسالطوریکه در گذشته خمینی ضد بشر راشد امپریالیست و مستقل و دمکرات معرفی می کرد. البته آن زمان که خمینی "فدا میرالیست" و "دمکرات" را انقلاب با نبضت و جمعیت "آزادخواه"، "صلح خواه" و مستقل بر می برد. همین دارو دسته نمایندگان "بخت" و البیبرالیهای ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم قلنداد می کردند. حال امروز بدون هیچگونه توضیحی و با بسط چرخش نولک قلم "دمکرات" های آن زمان "آزادی کش" و "وابستگان" آن روزی "مستقل" معرفی میشوند.

در صفحه ۴

نامه ای از ایران



اما از نظر اوضاع روزمره مردم باید اطلاع داشته باشی که قیمت اجناس مورد لزوم روزانه و مواد سوره مصرف مردم کماکان سرعت بالا می رود بطوریکه به هیچوجه قابل کنترل خود دولت نیست. من نمی خواهم قیمت اجناس را یک سیک توضیح بدهم اما از تاریخ ۲۷/۱۱/۶۷ که نامه قبلی را نوشته ام تاکنون حدود ۵۰ درصد قیمتها بالا رفته است. یعنی آنچه که در نامه قبلی نوشته بودم مثلاً کیلویی ۶۰ یا ۵۰ تومان حالا همان کیلویی ۸۰ تومان یعنی سبب زمینگی وید باز کیلویی ۸۰ تومان و کوجه فرنگی و خیار کیلویی ۶۰ تومان، اینها اجناسی است که از خارج وارد نمیشود اینطور ترقی کرده و اما اجناسی که از خارج وارد نمیشود دقیقاً به قیمت دلار بستگی دارد و مقداری زیاد هم از قیمت دلار بالاتر چون بهای گرامه و عوارض و دیگر چیزها راهم روی آن می کشند مثل پارچه و سه همان نسبت هم سایر چیزها. اما در این میان خود دولت هم بیکار نشسته و خود او هم در لایحه بودجه سال جاری سوسیبت خیلی مواد خوراکی ضروری را حذف کرده و بر قیمت بعضی از مواد دیگر نظیر مرغ، تخم مرغ و برنج و شکر و سیگار و غیره برای کسربودجه مبلغ قابل توجهی اضافه نموده بطوریکه سروسامان روزنامه های دست نشانده خودشان هم در آمده است و در بعضی جاها مثل شرکت واحد اتوبوسرانی و غیره اعتصاب شده و یا زرمه اعتصاب است. جالب اینکه دولت با وجودی که به قیمت اجناس اضافه نموده دیناری اضافه حقوق ویا سایر مزایا به کارمندان دولت نداده و وقف نم دارد که بدهد. امروز بلط مسافرت داخلی به قیمت بلط ها بیش از ۱۰٪ اضافه شده و برای مسافرت های داخلی مبلغی معادل ۱۵۰ تا ۲۰۰

در صفحه ۲

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی



تومان هم عوارض تعیین شده و برای مسافرت هسای خارج از کشور بیش از ۲۰٪ به قیمت بلیط با اضافه نشود و هرگز نریزاید. ۲۰ هزار تومان عوارض فرودگاه و ۵ هزار تومان خروجی بدهد یعنی هر نفر ۲۵ هزار تومان علاوه بر قیمت بلیط که گران شده بپردازد. به طوریکه همه مردم در روزنامه ها و حتی نابویز... می گویند سبب همه گرانها خود دولت است. گویند... های خواروبار مثل روغن، پودر لبناسوی و... و برنج که دیگر اصلا اعلام نمیشود و بازار خرید و فروش گویند هابی که از خود دولت است اما زردی شده یعنی ما عربین نوزیم گویند می گویند زردیده و با جعل کرده اند شدت رونق دارد در حالی که مردم می گویند این... گویند ها توسط خود دولت تر... بفروش میرسد بهر حال وضع اقتصادی شدت روز بروز بروخامت اوضاع اضافه می کند. از وضع اقتصادی خیلی چیزهای دیگر قابل ذکر هست که فعلا از ذکر آن خودداری می کنم. چون در این مورد دو صفحه نوشته شده حالا کمی هم از سیاست های رژیم و وضع سیاسی داخلی ذکر می کنم تا بعدا برسم به سیاست خارجی. در مورد سیاست داخلی همانطور که من قبلا در نامه های قبلی نوشتم رژیم از داخل مثل یک سبب گرم خورده و با یک دندان قانده و با لایحه مثل یک درخت از داخل دارد فاسد می شود. این نکته را چندبار من توضیح داده ام و تماما درست از آن در آمده اما این بار مثل اینکه یک قسمت از دندان در اثر لاسد داخلی بیوسد و یکساره دندان خرد شود و با یک درخت که از داخل بیوسده نمی آرتنه آن بشکند و سرتگون شود شده است. بر جریان انتخاب منتظری بعنوان قائم مقام رهبری و جانشین امام آفتاب او و مقامش را بلند کردند و کردند تا اینکه با لایحه همانطور که پیش بینی می شد باس او را سرتگون کردند. منتظری در قم و با طلب و روحانیون درجه اول و مستبدان طمس از اول خدمت و محبت بود و از ابتدا نظرش به این کشورها و بی عدالتیها و زور و اذیت اداره کشور با خمینی فرق داشت و هر موقع هم به تهران پستی خمینی میرفت تذکراتی بطور مودبانه و با اعتراض امیر به خمینی می داد و می دانست تمام این کشاکشها بدست و دستور شخص خمینی است. در جریان تشکیل مجلس خبرگان که از عده ای از مستبدان و ایت اللهها تشکیل یافته است توسط اری برمی که از خودشان بودند و اصولا کسی از جانب آنها اطلاع نداشت تشکیل کردند. چون این افراد همگی مربوط به حوزه علمیه قم بودند و منتظری هم مدرسی حوزه قم بود و خمینی هم چند بار در نظری هایش گفته بود منتظری قابل اعتماد نیست است او را بعنوان قائم مقام رهبری انتخاب کردند البته چون خمینی با منتظری از ابتدا بود می دانست با کشت و کشتارهای او مخالف است، نمی خواست او قائم مقام رهبری شود ولی مجلس خبرگان بعد از انتخاب او از حرفش برنگشت. البته اشتباه نشود که اینها را که من می نویسم اصلا به طرفداری از منتظری نیست او هم یک آدم ساده لوح بود ولی از انجایی بگفته همه مردم هر چه خمینی می کند و هر نظری که می دهد عکس آن درست است باید به این نتیجه رسید که حتما منتظری نظرات اصلاحی درستی داشته مثلا هرگز را خمینی می کشد و با از کار برکنار می کند مسلما باید گفت از او می ترسیدند بنابراین آن که چند روزی از این ماجرا گذشته سروصداهایی از گوشه و کنار بلند شده مثلا همین بیروز من شنیدم که در اصفهان و نجف آباد اصفهان شلوغ شده چون محل تولد منتظری است احساسات و امفانیها طرفدار منتظری بودند و شخص مطلق می گفت عده ای از اصفهان آنجفا آباد اصفهان با همه به تهران آمده اند و می گویند منتظری باید برگردد به اصفهان و امفانیها ها همه شلوغ کرده اند و گفته اند باید منتظری به اصفهان برگردد. فعلا خانه منتظری در قم تحت نظرات است. البته آنها را من شنیدم و در حقیقت معلوم نیست تا چه حد صحبت دارد اما در تهران تیرعه زیادی از خانواده سیاسی مفقودین و اسراست و به ظاهرات زده اند و راهپیمایی می کنند و خواستار پیدا شدن مفقودین و آزادی اسرای جنگی هستند و این مسئله چون در تهران است همه دیده اند و اما علت مخالفت عینی خمینی با منتظری داستان جالبی دارد و این یکی از اسرار است چون شخصی که اینرا تعریف کرد یکی از دوستان است گاهی اخبار جالبی دارد و اغلب پیش ما می آید او می گفت قلمه از این قوا را است که یک نفر که چهار پسرش را بدستور خمینی تیرباران می کنند او که دیگر هیچ نان آوری نداشته به قم پیش منتظری می رود یعنی او را مردم می برند وقتی جریان را برای منتظری تعریف می کند و می گوید هر چه بر سر مرا کشته اند منتظری

تحقیق می کند و می فهمد که بدستور خمینی بوده و لذا پیش خمینی می رود و می گوید کشت و کشتار پس است چقدر این جوانهای تحصیل کرده و مدرخوار این مملکت را می کشی، این چهار پسر این زن را شخصی تو بدستورقتل او را داده ای اینها بودند که رژیم شاه را سرنگون کردند. من و تو را آزاد کردند و من نمی توانم پیش از این شما را مجازا بکشم و لذا پس از مراجعت به قم با خمینی نامه ای به منتظری می نویسد و صریحا می گوید که باید از قائم مقامی رهبری استعفا بدهی البته متن این نامه فاش نشده ولی منتظری عده ای از مردم و طلاب قم را جمع می کند و بطرف مصلی ایستاد می کند و ضمن آن به همه دست اندرکاران رژیم حمله می کند و چون این موقع در محدوده دهه فجر یعنی پس تاریخ ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن بوده حمله شدیدی به تمام مسئولین رژیم می کند و ضمن تخط خود می گوید که شما در این ده سال چه کرده اید که جشن و چراغانی می کنید پول این ملت را بی جهت خرج جشن می کنید در حالی که مردم از گرسنگی و گرانی دارند می میرند شما در این ده سال چه کشتی و کشتار و شعار پیروز و تو خالی چه تحویل این مردم داده اید ۸ سال جنگ... سپهبد که میلیونها نفر جوان این کشور را به کشتن داده اند و شمار رفتن به کربلا دادند چه شد آخر جنگ را باخندید و تمام کشور را خراب کردید و حالا می از هم تعریف می کنید دست او ردهای جنگ و انقلاب را بدو بخ به رخ مردم می کشید یک قدری دست از نظرها رو میا بر دارید و به افرادی که خارج از کشور هستند و همه متخصص تحصیل کرده و مبره این کشور خراب و ویران شده می خورند اجازه بدهید به ایران برگردند... هر جوان تحصیل کرده که می خواهد به ایران بیاید و خدمتی بکند شما از همان فرودگاه یکساره او را به سیاه چال می برید و همه مردم خارج از ایران دیگری می ترسند که به ایران برگردند و خلاصه در این زمینه بطریق مفعلی می کنند من متن کامل این بلیط را که در روزنامه کیهان نوشته شده است و منتظری آن موقع هنوز قائم مقام رهبری بوده و تاکید کرده بود تمام گفته های من باید در روزنامه ها نوشته شود. نوشته اند که در تلویزیون یون چیزی نگفتند. بهرحال متن این بلیط را من دارم و در صورت لزوم بهر جا که می خواهم می کشم. بدون کربلا به او حمله کرده بود و از همانجا موب... سرکاری او مطرح شد همه را دارم اگر خواستی برایت می فرستم... حال پس از این سخنرانی منتظری، خمینی نیز در مجلس که عده ای را جمع کرده بود عده ای از خوندگاری بی اطلاع و مغرض و لیبز اینها و غیره حمله کرد که البته به روشی نقطه شخصی منتظری بوده او ضمن تخط خود گفت این کار همه نمی گذارم لیبز اینها در اینجا روی کار می آید و چون منتظری گفته بود که یکی از شعارهای ما آزادی بود و ما و عده آزادی قلم و زبان را به مردم داده بودیم چرا جلوی انتقاد مردم را می گیرید تا انتقاد نشود... اصلاح نمی شویم. بهرحال پس از سخنرانی خمینی که در حقیقت به منتظری حمله کرده بود ولی اسمی از او نبرده بود معلوم بود که نتیجه چه خواهد شد. بهر حال بعد از سخنرانی خمینی و حمله او به لیبز اینها و خوندگاری بی اطلاع و غیره منتظری همچون حرفهای خودش از رده بود و البته همه را روی آب ریخته. چون دستور دادن استعفا را نیلوا از خمینی دریافت داشته بود در نامه خود صریحا به خمینی نوشت من بدستور شما از قائم مقامی رهبری استعفا می دهم در حالی که از اول هم مایل به قبول این مسئولیت نبود و خیلی جالب که در نامه اش نوشته است من به مجلس خبرگان دستور دادم (به کلمه دستور دادم توجه شود) که صلاح رژیم و انقلاب را در نظر بگیرم. از این کلمه معلوم میشود که حتی انتخاب رهبر هم باید بدستور خمینی باشد یعنی مجلس خبرگان از خودش نباید اختیار داشته باشد و نظر اینهمه امضا مجلسی خبرگان بوج است و هرگز از خمینی بگوید باید انتخاب کنند هر چه او بگوید باید انجام شود. حال اینست که منتظری را از آخوند طلبه بنا به مصلحت شخصی خمینی تا مقام مرجعیت تقلید ترفی دادند. رساله مرجعیت تقلید چاپ کرد و وعده زیادی خموسا اصفهانی ها او را مرجع تقلید خود می دانند و اینستا او را ایت الله و سپس ایت الله اعظمی خطاب کردند و با لایحه او را ایت الله اعظمی منتظری قائم مقام رهبری خطاب کردند و یکباره خمینی در نامه اخبرش که در پاسخ استعفا منتظری با استعفا او موافقت کرده بود او را بنام حجت السلام خطاب کرده یعنی نه ایت الله. نه ایت الله اعظمی، یکبار دیگر حجت السلام ۲۰ سال پیش شد یعنی او را از درجه ارتشبدی به درجه قربانهای تنزل رتبه دادند در حال هنوز کسی برای قائم مقامی انتخاب نشده از طرفی حجت گربها مجددا شروع شده و معلوم نیست چه خبر است از ساعت ۱۰ شب تمام ماشین های که در خیابانها رفت و آمد می کنند متوقف می کنند و داخل ماشین ها را می گردند و اذیت و آزار مردم شد گرفته است اما

یک تکتک جالب توجه که یاد رفته بود بنویسم اینکه درست یک هفته قبل از اینکه منتظری از قائم مقامی رهبری استعفا بدهد یعنی همان موقع که بطور محرمانه خمینی به منتظری نوشته بود فوراً از قائم مقامی استعفا بدهد و مردم به پیوج از این جریان اطلاع نداشتند و این نامه خمینی هم با لایحه منتشر نشده. یک شب مردم دیدند بدون هیچ دلیل و هیچ اطلاع قبلی همه عکس های منتظری از ادارات و اماکن عمومی و سرور ارگانها و نهادها مثلا انلابی توسط مامورین کمیته که از طرف خمینی به آنها دستور داده شده بود پاشین کشیده می شود و حتی عکس که در بسا لای سردر نهاد سازندگی میدان دکتر فاطمی بطول حدودا سه متر و عرض دو متر روی کاشی های تفریک و در کنار عکس خمینی کشیده شده بود از سرش تا صبح زیر باران شدید مشغول کندن و خراب کردن کاشیها بودند بهرحال در ظرف مدت دوروز تمام عکس های منتظری بزرگ و کوچک آنها که می شد بکنند. کنگنه و آنها که نمی شد رویش را رنگ زدند و حتی نام و اسم او را هم به دستور خمینی از همه جا محو کردند در حالیکه هنوز قائم مقام رهبری بود و استعفا هم نداده بود البته این نحو عکسها در نیمه شبها و دور از چشم مردم بود و یک روز صبح مردم از خواب بیدار شدند و دیدند دیگر عکس از منتظری در هیچ جا دیده نمیشود و تازه بعد از یک هفته منتظری بعد از زدن حرفهایش که تماما حمله به خمینی و رژیم بود استعفا کرد و حالا در این جا همه چیز مثل پشت پرده خیمه شب بازی که همه نظرها دست یک نفر است، می باشد و ما منتظر پرده دوم خیمه شب بازی هستیم و اما در سیاست خارجی بعد از نامه ای که خمینی به گورباچف نوشت وزیر خارجه شوروی به ایران آمده و وزیر خارجه ایران به شوروی رفت... و قراردادهای اقتصادی و غیره است که مرتبا امضا میشود و قرار است شوروی درین سازی ایران که در اشر جنگ خرابیهایی بیشماری به بار آورده شرکت کند و بقول معروف رژیم دارد با شوروی بازی میزند اما نظرمس اینهم یک نوع بازی با کاری و حقه بازی است چون وقتی خمینی دست اندرکاران رژیم بدهاند که عراق هیچ وجه از خاک ایران بیرون نمی رود و به این وسیله دست به امان شوروی بدهاند و او را با شوروی بستن قرارداد های سازندگی ایران قول می دهند که از نفوذ خود استفاده کنند و عراقی خواهد که خاک ایران را ترک کند چون تا جنگ بطور کلی خانه پیدا نکند و قرارداد صلح امضا نشود با سازی مناطق خراب شده و کارخانجات تخریب شده معنی نداشته و عملی نخواهد بود و از شوروی خواسته اند تا به لطف منابع سرشاری که از این راه غاید آنها میشود از عراقی خواهد که به مرزهای شناخته شده برگردد و قرارداد صلح امضا کنند از این طرف هم دیگر تلبه آمریکا شعار می دهند و شعار مرگ بر آمریکا خیلی خیلی که شده و شعارها خیلی مرگ بر انگلیس و اسرائیل. حالا منتظری که قبلا در همه نامه ها نوشته ام باز هم غیب آستین است تا چه زاید سخن. ۶۸/۱/۲۰

تلاشهای مذبوحانه خمینی

از من است رسیده که هر ساله جرسی، به تصمیم خمینی دستگی پیدا کرده است. بدین لحاظ خمینی در روز چهارم اردیبهشت اسال، دستور تغییر قانون اساسی ارتجاعی اتی را صادر نمود. وی در دستور خود بر تمرکز قوای مجریه و قضائیه تاکید نمود. به اضافه اینکه حل مساله رهبری را نیز به عهده این جمع گذاشت. در زمینه مساله رهبری، خمینی در یک سن بست کامل قوا را گرفته است. دستگاه ولایت فقیه فاقد یک "مرجع" رسمیت یافته است. معلاوه این دستگاه بخصوص پس از حذف منتظری که او را به حبله و نیرنگ در سطح مرجعیت معرفی می کردند، دیگر قادر به "مرجع" سازی نیست. شورای رهبری نیز با توجه به تضادهای حاد درون رژیم، نه فقط هیچ گره ای از رژیم را باز نخواهد کرد، بلکه تضادهای درونی رژیم را تشدید خواهد کرد. بنابراین خمینی باید، او را از مساله شورای رهبری بگذرد و درانی از "مرجع" بودن رهبری صرف نظر کند و تا تحت این شرایط کسی را بجای خود بگذارد که در این لحظه تضادها را بیش از این حاد نکرده و رژیم را بیش از این در پس

اخبار و رویدادها...

بمناسبت اول ماه مه روز کارگر

از ص ۱۲

تعیین هیأتی از جانب خمینی برای تجدید نظر در قانون اساسی رژیم

بسم الله الرحمن الرحيم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامه افاشته، از آنجا که پس از کسب ده سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور اکثر مسئولین و دست اندر کاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده‌اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملت‌بند ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرائی جامعه کمتر به آن توجه شده است ولی خوشبختانه مسئله تنظیم قانون اساسی پس از یکی دو سال مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه اسلامی و انقلابی ماست و چه بسا تاخیر در آن موجب بسوز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد و من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مذهبها قبل در فکر حل آن بوده‌ام که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن می‌گردید، اکنون که به باری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیه‌الله روحی له الفداء نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است هیأتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نمودم که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر میشود تا شاید آنرا به آراء عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارم.

انجمن هواداران سازمان در آلمان غربی با کوشش و پشتکار فراوان به تدارک برگزاری هرچه شکوهمندتر این روز بزرگمان، رفقای هوادار در ابتدا با نصب پوسترهایی که در رابطه با همبستگی کارگران طراحی شده در نقاط مناسب فعالیت خود را شروع کرده و در روز اول ماه مه در شهر کلن در راهپیمایی‌های کارگری که از طرف سندیکاهای کارگری این کشور برگزار می‌شد، شرکت نمودند. رفقای هوادار با ترجمه تاریخچه مختصری از سازمان به زبان آلمانی و تکثیر و پخش آن در میان آلمانیها حرکت کنندگان را از اهداف و خط و برنامه سیاسی سازمان آگاه نمودند. در همین روز رفقای با برگزاری میز اطلاعات و نیز نمایشگاه عکس، کسار افشاگرانه و سیاسی در رابطه با جنایات و فجایعی که رژیم خمینی در ایران صورت می‌دهد و همچنین ابعاد سرکوبی که این رژیم نسبت به کارگران میهن‌مان اعمال می‌کند، انجام دادند. استقبال شرکت کنندگان و اظهار همدردی فراوان آنها با رفقای نمود چشمگیری داشت. رفقای انجمن ضمن فعالیت‌های انقلابی خود به سوا لات خبرنگاران شوروی که بدین نمایشگاه آمده و سوا لاتی را مطرح می‌کردند، با ارائه مدارک و شواهدی از جنایات رژیم پاسخ دادند.

طبقه کارگر در سراسر جهان با سال نیز بشکلی همبستگی مبارزاتی خود را نشان داد. رژیم خمینی هیچگونه مراسمی بدین مناسبت برگزار ننمود. سران رژیم که از خشم و نفرت کارگران نسبت به رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی باخبر هستند، تنها به چند قول و قرار بوج از قبیل اینکه " بزودی قانون کسار در مجمع تشخیص مصلحت به تصویب خواهد رسید " بسنده کردند. در بیت المقدس، پلیس اسرائیل کارگران تظاهر کننده راه گلوله بست. کارگران و توده‌های زحمتکش فلسطینی در یاور غزه و کرانه غربی در این روز دست به اعتصاب عمومی زدند. در ترکیه پلیس به صفوف تظاهرات کارگران یورش برده و تعدادی را کشته، زخمی و اسیر نمود. در مانیل پایتخت فیلیپین، تظاهرات کارگران که بسبب سفارت آمریکا در حرکت بودند، با یورش پلیس به خشونت کشیده شد. تظاهرات اول ماه مه در لهستان، کره جنوبی، چکسلواکی، شیلی و تعدادی دیگر از کشورها با خشونت و درگیری پلیس این کشورها همراه بود. در سوئوپکن بدین مناسبت تظاهرات پر شکوهی برگزار شد و کماتکان در آمریکا یعنی سرزمینی که اول ماه مه را آفرید هیچگونه تظاهرات کارگری برگزار نشد.



گوشه‌های از فعالیت رفقای هوادار در آلمان

الف - حضرات حجج اسلام و المسلمین و آقایانی که برای این مهم در نظر گرفته‌ام:
 ۱- آقای مشکینی ۲- آقای طاهری خوج آبادی ۳- آقای مومنین ۴- آقای هاشمی رفسنجانی ۵- آقای امینی ۶- آقای خامنه‌ای ۷- آقای موسوی نخست وزیر ۸- آقای حسن حبیبی ۹- آقای موسوی اردبیلی ۱۰- آقای موسوی خوشنویس ۱۱- آقای محمدی گلپایگانی ۱۲- آقای خزعلی ۱۳- آقای یزدی ۱۴- آقای امامی کاشانی ۱۵- آقای جنتی ۱۶- آقای مهدوی کنی ۱۷- آقای آفری قمی ۱۸- آقای توسلی ۱۹- آقای کروی ۲۰- آقای عبدالله نوری که آقایان محترم از مجلس خبرگان و قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت و اسرادی دیگر و نیز ۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس انتخاب شده‌اند.
 ب - محدوده مسائل مورد بحث: ۱- رهبری ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضائیه ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما بصورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷- راه باز نگری به قانون اساسی ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی
 ج - مدت برای ابتکار حداکثر دو ماه است. توضیح حضرات آقایان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام وعلیکم ورحمة‌الله وبرکاته - روح الله الموسوی الخمینی - ۲/ اردیبهشت ماه ۶۸

بنا بر اخبار رسیده از ایران در یکی از روزهای ماه رمضان امسال (در حدود نیمه ماه اردیبهشت امسال)، تعداد زیادی از سران باسد بازار و روزنامه رسالت به اضافه تعدادی از اعضای شورای نگهبان در منزل یکی از سران بازار به سهمانی افطار دعوت شده بودند. در این سهمانی افطار که گردانندگان نهادهایی مثل، شورای مرکزی اصناف تهران، کمیته امداد خمینی، سازمان اقتصاد اسلامی، صندوق های قرض الحسنه، بنیاد ارشاد و رفاه انعام صادق، اطاق بازرگانی و منابع و معادن، هیئت صادق انسانی و... جمع شده بودند، چند نفر سخنرانی می‌کنند. ناطق نوری ضمن اشاره به افرادی که خمینی برای تغییر قانون اساسی تعیین کرده، می‌گوید که این دلیلی بر اعتماد خمینی به ماست و ما باید با صراحت نظرات خودمان را بیان کنیم.

است که جریان منتظری، اساسا یک جریان در خط امینی و سرهنگ قذافی بوده است. اینان می‌گویند که "سید مهدی هاشمی" و "ابوشریف" و نیز سید هادی هاشمی (رئیس دفتر منتظری) از خط امینی در مسائل مختلف دفاع کرده‌اند. بر بعضی از ادارات و مراکز دانشگاهی به عناصری که به دفاع از منتظری مشهور هستند برای رویگردانی از منتظری فشار وارد کرده در ص ۷

جناب راجتین جمعیتی کرد
 ۱- دولت موسوی و دولتهای مشابه او نباید تکرار شود.
 ۲- بازاربان بشرطی نقدبندی خود را بکار می‌اندازند که از سیاستهای اجرائی مطمئن باشند و برای این باید در قدرت کاتلا شریک باشند.
 ۳- مالیاتها باید با توافق سران بازار برای بازاربان تعیین شود.
 ۴- تمرکز در قوه مجریه و قضائیه نباید بشکلی صورت گیرد که سبب ایزوله شدن بازار و آخوندهای طرفدار فقه سختی شود.
 در این جلسه علاوه بر ناطق نوری، عسگر او لادی و چند نفر دیگر هم صحبت می‌کنند.
 این روزها بازار حمله به منتظری بسیار گرم است. تحلیل تعدادی از عناصر داخل رژیم بر این اصل استوار

نا بود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه د اخلیش

استراتژی رفرم - تاکتیک فشار

(نگاهی به پلنوم اخیر جریان موسوم به اکثریت)

ماه اکثریت از این لحاظ جایز اهمیت است. مشی "جدید" اکثریت که در پلنوم اعلام شده و بدنبال آن به تشریح و توضیح آن پرداخته اند، همان مشی رفرمیستی می باشد که سالهاست تحت عنوان "استحاله" بخش عمدتینروهای "سیاسی" به طوح و تلویر یومکرین آن هست گماشته اند. استراتژی "استحاله" یا "تاکتیک فشار"، اینست مشی "جدید" اکثریت. بگذارید قبل از اینکه مشی اکثریت را باز کرده و مورد بررسی قرار دهیم، مختصرانیم نگاهی به اوضاع سیاسی ایران داشته باشیم تا روشن شود چرا شرایط کنونی ایران، امکان اختفای مشی استراتژیکی - تاکتیکی هیچ جریان سیاسی جدی را نمی دهد.

نگاهی به اوضاع سیاسی ایران

ذیلا به مهمترین مسائل سیاسی طی دوره بعد از آتش بس که تا کنون هم طرح هستند، می پردازیم. الف - رژیم خمینی بنا به اعتراف خود خمینی جلاد تا زمانی که توان و امکان داشت، جنگ را ادامه داد. اما وقتیکه نه تنها ادامه جنگ برای رژیم امکانپذیر نبوده بلکه موجودیت آنرا نیز به زیر سوال می برد، با لاجبار تسلیم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد شد. پذیرش آتش بس و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به معنای اعتراف رژیم به شکست سیاست "صدور انقلاب" و در نتیجه تلاشی بخشی از هویت ایدئولوژیک - سیاسی رژیم و لایت فقیه بسوده است.

ب - در شرایط بعد از قبول قطعنامه دوساله اساسی در مقابل سرگردگان رژیم خمینی قرار گرفت که ضمنا به محور اختلافات درونی رژیم تبدیل شد. اولاً - "بازسازی" جامعه درگمشتش و در صدر آن بازسازی اقتصادی، اقتصاد ایران درنمایشش بر محور جنگ کورک شده بود که شرایط نیرجنگی الزاما تغییر آنرا در دستور قرار می دهد. هر چند که رژیم بنا به ماهیت قرون وسطایی اش تا کنون هم نتوانسته در این زمینه هیچ سیاست مشخصی اتخاذ نماید و قدمتی بردارد.

ثانیا - روابط بین المللی بیش از هر زمان برای رژیم از اهمیت برخوردار شده است، در صد روابط بین المللی البته عادی کردن روابط با "شیطان بزرگ" امریکا قرار داشت، در این زمینه هم گام عملی چندان قابل اهمیتی برداشته نشده است. به خصوص حوادث اخیر در رابطه با قضیه نویسنده کتاب "آیات شیطانی" رشتهها راهم پنبه کرد.

پ - در شرایط بعد از جنگ برائشکست رژیم در جنگ ضد سردمی اش، اختلافات درونی باندهای درونی رژیم بیش از هر زمانی بروز می نماید. جناح قدرتمندی از رژیم به رهبری رفسنجانی خواهان آنست که در شرایط جدید با تمرکز قدرت در دست خود بطور کامل چه از ناحیه داخلی و چه خارجی بر مدار نیازهای امپریالیستی قرار گیرد، و خود را بشکل الثرنا تیسو مطلوب امپریالیستها و درواشان امریکا سازمان دهد. باندهای دیگر درونی حکومت بخصوم بانسد

خود را به صفوف اپوزیسیون انقلابی داخل نمایند. این موضع گیری انقلابی و اصولی به لحاظ دیگری نیز حائز اهمیت است. از این جنبه که فائیه را بر سایر رفرمیستها هم که فقط خواهان برخورد "انقلابی" به گذشته اکثریت هستند نیز تنگ می نماید. رفرمیستهای که تنها برتری و امتیازشان بر اکثریت، عدم همدستی و حمایت از رژیم خمینی بوده است و لا غیر. همین زمانیکه با سالسه خیانت مشوشیکها و اس ارها به انقلاب رو بر سویده و از طرف رفرمیستها تحت فشار قرار می گرفت که بایسد امکان "رفع اشتباه" را به مشوشیکها و اس ارها داد، چنین نوشت: "کسیکه اخلاقیات خردمپوزوایی را در سیاست وارد کند است لاش جنین است. بفرش اینکه اس ارها و مشوشیکها با پشتیبانی از کابو بنا که ها که پرولتاریسا و هنگهای انقلابی را خلق صلاح نمودند" اشتباه "هم کرده باشند، باز باید به آنها امکان داد اشتباه خود را "رفع نمایند" و "رفع اشتباه" را برای آنها "دشواری ساخت"، باید گرایش خردمپوزوایی متزلزل را بسوی کارگران تسهیل نمود. چنین استدلالی اگر برای غریب و اغفال مجدد کارگران نباشد، چیزی جز ساده لوحی کودکانه یا چیزی جز سفاقت صرف نخواهد بود. زیرا گرایش درونی های خردمپوزوایی بسوی کارگران فقط و فقط در صورتی عملی می شود که این نوده ها از اس ارها و مشوشیکها روی برمی تافتند. از این اس ارها و مشوشیکها اکنون فقط در صورتی میتوانند "اشتباه خود را" رفع نمایند که تسرتلی و چرتوف ودان و راکتیکتیک از اهمیت بیرون زخمیان اعلام کنند. ما کاملا بدون چون و چرا طرفدار چنین "رفع اشتباهی" هستیم." (التمین - در اطراف شعارها). اما ساله دوم یعنی موقعیت سیاسی کنونی اکثریت - که در واقع بیشترین وظیفه این مقاله را تشکیل می دهد - همچون گذشته آن دارای اهمیت می باشد. ماهه مناسبته ها و در فواصل مختلف به مشی سیاسی کنونی این جریان منحط برخورد کرده ایم. اکثریت بعد از سه سال ۶۲ که به شعار سرنگونی رژیم خمینی نمسک جست، با دقت و حساسیت فراوان مانع از آن شد که استراتژی "رفرمیستی" جدیدش "به وضوح نمایان شود و با توسل به شعرو شعارهای بظاهر چپ از جمله شعار سرنگونی رژیم خمینی، تاکیدات مکرر و فراوان بر رهبری پرولتاریا در انقلاب و... چنین می نماید که دست از استراتژی خادمی در آستان بورژوازی برداشته است. مجموعه شرایط سیاسی آن دوران نیز قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم خمینی - چنین امکانی را به رهبران اکثریت می داد. هر چند که در ساله تاکتیکها هیچگاه و برای لحظه ای هم نتوانستند به یک مشی انقلابی روی آورد. در بجای خود مورد بررسی قرار گرفته و باز هم باید بیشتر و بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. شرایط سیاسی جدید ایران، بخصوم بعد از آتش بس، چنان مساله قدرت سیاسی را به ساله روز مبدل نموده است که هیچ جریانی را برای گریز از طرح صریح استراتژی و تاکتیک خود نیست. در واقع گروه رهبران خاش اکثریت، قبل از آتش بس به معن شرایط سیاسی جامعه می توانستند از طرح صریح مشی استراتژیکی خودداری نمایند، دیگر اکنون واضح و روشن به تشریح آن پرداخته اند. پلنوم شهریور

پلنوم شهریور ۶۷ جریان موسوم به اکثریت است در روند تحولات سیاسی این جریان دارای اهمیت فراوانی است. چرا چنین که پیداست نقطه آغاز بازگشت این جریان رفرمیستی به آخر رژیم خمینی باشد.

همگان بخوبی واقفند که جریان موسوم به اکثریت به مدت چند سال به خدمتکاری بی چیره و مواجب رژیم خمینی در آمده بود. سالها به حمایت "فاطمه" از رهبری "ضد امپریالیستی"، "امام خمینی" برخاسته و در این رهگذر، بنا به مسداریک فراوان صادره از جانب گردانندگان اکثریتی، در سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی، همدست آشکار و پنهان رژیم ولایت فقیه بوده است. اما رژیم دون صفست خمینی، بعد از استفاده کامل از این جریانها، مورد بی مهریشان قرار داده و در ازای خوش خدمتیهای فراوان، سرکوبشان را پیشه کرد. از آنجاست که اکثریت با لاجبار به همراه "حزب برادر" ش به صف اپوزیسیون یرت می شوند. البته اکثریت و حزب نسوده حاضر نبودند که بسادگی دل از "بیت" امام بکنند، از آن به بعد نیز، یکی دوسالی داد و هوار "نقش قانون اساسی" سرداده و بعضی از جناحهای رژیم "ضد امپریالیستی" را به کم نوجبی به اجرای "قانون اساسی" متهم کردند. لیکن این روند نمی توانست زیاد طولانی شود. چونکه رژیم خمینی بطور یکپارچه مضم بود که به سرکوب و نابودی اکثریت - توده ادامه داده و راهی جهت بازگشتشان به اندرون "بیت" باز نگذارد. اما قبل از هر چیزی برای تیل به مقصود می بایست که مشروعه یعنی دست و پا کنند. آنها فکر می کردند با پیوستن به شعار سرنگونی رژیم خمینی دیگر امکان دخول به صف اپوزیسیون انقلابی کاملا مهیا خواهد شد. از این سو در اردیبهشت سال ۶۲ با یک تاخیر حداقل ۲ ساله، طی بیانیه مشترکی شعار سرنگونی رژیم خمینی را پذیرا شدند. در اثر فشار نیروهای انقلابی و ترفیق خواه اکثریت مجبور شد دست به یکسری انتقادهای آبکی و مسخره از گذشته خویش نیز، بزند. از جمله اینکه آقایان از "موضع پرولتاری" اندکی به "زانست" غلطیده اند، طی این سالها برای ما و سایر نیروهای انقلابی و ترفیق خواه در رابطه با اکثریت ۲ ساله اساسی طرح بوده است.

الف - چونگی برخورد به گذشته این جریان

ب - موقعیت سیاسی کنونی آن

سازمان ما در جمع بندی مباحثاتش در رابطه با گذشته این جریان به این نتیجه رسید که اولاً رهبری اکثریت باید بدون هرگونه اما و اگر، صراحتا اعلام نماید که در گذشته در جنبه ضد انقلاب و ارتجاع قرار داشته و این امر خیانت به مصالح و منافع مردم ایران بوده است. ثانیا مسئولین این خیانت را باید صریحا به مردم معرفی نمایند. در غیر این صورت اکثریت دارای هیچ گونه مشروعه یعنی نخواهد بود و هرگونه همکاری و نزدیکی با این جریان به منزله تطهیر خیانتهای آن محسوب میشود. این یک موضع اصولی است که راه هرگونه شارلاتان بازی سیاسی را بسته و امکان نمی دهد رهبری خاش اکثریت، بدون پرداختن بهای خیانتهاشان به صرف کثرت وجودی و بدون اینکه آب از آب تکان بخورد و صد البته با طلب کاری بسیار

استراتژی رفوم - تاکتیک فشار

(نگاهی به پلنوم اخیر جریان موسوم به اکثریت)

حرب الهی که موقعیت خود را در خطر می بیند، حاضر نیست بسادگی کنار گذاشته شود. از اینرو به مقابله فعال برمی خیزد. در این شرایط است که منتظری به عنوان رقیب اصلی رفسنجانی در عرصه کارزار پیش از هر زمانی فعال میشود و هرکانش خطت تعرضی بخود میگیرد. در واقع مساله سرنوشت قدرت سیاسی در ایران در شرایط بعد از جنگ چنان برجسته میشود و چنان به مساله روز بدل می گردد که می توان گفت حکومت بنحوی درینک دوران انتقالی قرار میگیرد که امکان دوام آن در درازمدت میسر نیست. در رابطه با اختلافات باندهای درونی رژیم، توجه به دو مساله حاضر اهمیت است.

اولا - نقش شخصی خمینی که تا کنون هم بلا منازع حق رای نهائی در هر مساله جدی را بخود اختصاص داده و همچنان از تئوریه قوی در میان حکومت مداران سر خورده را است. خمینی طی چند سال گذشته اگر چه مستمرا از جناح رفسنجانی حمایت کرده است، اما همچنان به هویت و خطت ایدئولوژیک رژیم و ولایت مطلقه فقیه عمیقاً پایبند بوده و تاجایی که برایش امکانپذیر باشد، اجازه نخواهد داد ولایت فقیه بر سر مستحیل شده و هویت و خطت خود را تعدیل و یا از دست دهد. در مساله جنگ نیز، بنا به اعتراف صریح خودش تا جاییکه ذره ای در توان داشت براداره آن اصرار ورزید. حوادث چند ماهه اخیر نیز مویسخت این نظراست. از جمله می توان به مساله توقیف چهار نفر از کارکنان رادیو و تلویزیون در رابطه با یک برنامه رادیویی، مساله نویسنده کتاب آیات شیطانی، قطع ارتباط با انگلیس و... اشاره کرد.

بنابراین خمینی در رابطه با جناح بندیهای درونی رژیم، خواهان یک لایه کردن قدرت سیاسی در دست هیچ جناحی به تنهایی نیست و بنا به "مصلحت نظام" به جناحهای مختلف امتیاز داده و یا امتیاز میگیرد. ثانیاً - همه باندهای درونی رژیم مسلح بوده و دارای پایگاه و نیروی شخصی هستند. از اینرو تمقیه حساب نهائی مابین باندهای درونی رژیم بسادگی و بسهون خوشونت، قهر و بخران حاد درون حکومتی مسورت نخواهد گرفت.

ث - قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم و شکستن شاک جنگ طلبی رژیم، از نظر نیروهای سوزوایی طیف میانی، شرایط و اوضاع را جهت تحقق استراتژی "استحاله" رژیم - که سالها خواب آنرا می دیدند - مهیا می نمود. پس به فعالیت وسیع دست زده رسماً و عملاً حول محور نهفت آزادی بازرگان سازمان یافتند. شناخته شده ترین شخصیتهای مدافع "استحاله" رژیم رسماً به حمایت از بازرگان و نهفت اش برخاستند.

ث - از نظر بین المللی نیز، کشورهای امپریالیستی شرایط را برای ایجاد تعدیلاتی در رژیم خمینی و توسع "استحاله" آن فراهم دیدند. در این زمان است که رنگان پیام می دهد که اکنون زمان مناسبی برای تادی کردن روابط با ایران می باشد. دست نشاندهگان و وابستگان منطقه ای رژیم نیز در همین راستا حرکت کردند. ظاهراً چنین پیداست که کشورهای امپریالیستی توافق ضروری را نیز با استراتژی خود در ایران

بدست آورده اند. ج - عملیات فروغ جاویدان از طرف ارتش آزادی بخش ملی ایران، رنگ خطرا نه تنها زیر گوش رژیم خمینی، بلکه همه مرتجعان و ضد انقلابیون و "میانسازان" بازان" بمادر آورد. چنین است که همه در "تابودی" سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت بطور بی سابقه ای "هنگار" و "هنگام" می شوند. این مجموعه شرایطی است که پلنوم نشینان اکثریتی را مجبور می کند که استراتژی و تاکتیک خود را با صراحت و به روشنی، بیان کنند و به تبلیغ و ترویج آن بپردازند. هر چند که هنوز دارو دسته فرخ نگهدار از آن جرئت و شہامت سیاسی برخوردار نیستند که همچون آقای حاج سید جوانی رسماً همه را به زیر پرچم بازرگان فراخوانند، اما استراتژی و تاکتیک شان و احداث، وجه مسا که گذشت زمان این "مشکل" را نیز از آقایان حل کند. حال ببینیم که اکثریت چگونه استراتژی "استحاله" رژیم را توجیه می کند.

استراتژی رفوم

پلنوم شهریورماه اکثریت که در شرایط بعد از آتش بس برگزار شده است، جهت غلبه بر شرایط بحرانی کشور، تشکیل جنبه ای وسیع با شرکت همه "سویهای" "مترقی"، "مدافع" صلح پایدار و "آزادی خواه" را پیشنهاد می نماید. لیست دورودراری از نیروهایی که می توان به توجیه مورد نظر پلنوم نشینان اکثریتی شرکت کنند، ارائه می دهد. در لیست ارائه شده از جانب اکثریت، سازمان مجاهدین خلق گرفته تا نهفت آزادی و کونله و حزب دمکرات کردستان ایران و... مفید شده اند.

المته اکثریتی ها خود بخوبی می دانند که تشکیل چنین جنبه ای و با چنین ترکیبی امکانپذیر نیست. هدف آنان از ارائه این لیست دورودراری، غیر از ردگم کردن چیز دیگری نمی تواند باشد. آنچه که برای اکثریت حائز اهمیت است، هم خط شدن بنا "نهفت" و "جمعیت" و مابقی نیروهای طرفدار تئور "استحاله" رژیم است. یکماه بعد از برگزاری پلنوم کار اکثریت در مقاله ای تحت عنوان "درواه اتحاد وسیع همه نیروهای ترقی خواه" به توضیح اهداف پلنوم از تشکیل جنبه وسیع مورد نظر پرداخته و به وضوح و عریان ضرورت همکاری و هم خطی و اتحاد و ائتلاف با "نهفت" و "جمعیت" بازرگان و جناحی از درون رژیم خمینی را جهت استقرار "صلح پایدار" و "کسب آزادی" تشریح می نماید.

اکثریت با شروع از این نقطه که "در شرایط کنونی، همانگونه که در گزارش سیاسی پلنوم نیز تصریح شده است، دشمن صلح پایدار یک خواست همگانی و آزادی سرم ترین شعار جنبش ماست"، به مشخص کردن نیروهای صلح طلب و آزادیخواه پرداخته و می نویسد: "ما شاهد آن بودیم که طی به ویژه دو سال اخیر نهفت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران، مبارزه در راه استقرار صلح در کشور را در دستور مقدم مبارزه خود قرار دادند" (بکار - شماره ۵۶) در ادامه "همین تجربه نشان داد که دایره

مخالفین سیاست ادامه جنگ حتی محافل ازمیشت حاکمه را نیز در بر گرفت" کارنویسان اکثریتی بعد از ذکر نیروهای صلح خواه مورد نظرشان از جمله "نهفت" و "جمعیت" و "محافل ازمیشت حاکمه"، در جمع بست آن می نویسند: "نه تنها افرادک ثوریک، بلکه جمع بست عینی پراتیک سیاسی ما حول تجربه استقرار صلح در کشور اثبات می کند که موضع ما دایر بر تاملین و گسترش همکاری و همگامی با نیروهای صلح خواه بورژوازی و از جمله با "نهفت" و "جمعیت" و نظایر آنها بر سرخو مخالفت با سیاست ادامه جنگ رژیم خمینی، موضعی واقع بینانه بوده است." در این جا منظور از "جمعیت" و "نظایر آنها" البته همان "محافل ازمیشت حاکمه" است که از نظر اکثریت "صلح خواه" بوده اند، تا اینجا مربوط به نیروهای "صلح خواه" بود، حال نویبت به "آزادیخواهان" می رسد. تا آنجا که به امر خطیر آزادی مربوط است، ما به درواز هیاهوهای چپ روانه، معتقدم که نشیبت و نشمین آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک، حتی اگر بورژوازی باشد، نه تنها یک تحول مثبت، بلکه نیاز مبرمی است که می بایست در راه عملی ساختن آن اهتمام رژیم و... از اینجاست که ما با "نهفت" و "جمعیت" و احزاب و محافل نظیر آن که در راه تضمین و نشیبت فعالیت قانونی خود مبارزه می کنند، منافع مشترک داریم و در عمل همسویا یکدیگر حرکت می کنیم و می توانیم علیه استبداد و ستمگریهای رژیم فقیه متحد شویم." (بکار شماره ۵۶)

از این جریان و آشکارتر نمی توان حرف زد. الحق که از این بابت دارو دسته فرخ نگهدار شایان تحسین اند. در همین چند سطر کل استراتژی اکثریت فرموله و بیان شده است.

بنابراین نظر: اولاً - تحول بورژوازی حکومت (البته در چکلی دمکراتیک) استراتژی "جدید" و "سنگار مبرمی است" که باید آنرا "عملی" ساخت. در نتیجه سرنگونی رژیم خمینی بهیچ وجه در دستور کار قرار ندارد. ثالثاً - آن نیروهایی که رسالت تحقق این تحول بورژوازی را بر عهده دارند، عبارتند از "نهفت"، "جمعیت" و نظایر آن. ثالثاً - بر این اساس لازم و ضروریست که حول محور این نیروها سازمان یافت و به زبان اکثریت با آنان "متحد" شد. رابعاً تا آنکه "هیاهوی چپ روانه" راه انداخته و خواهان سرنگونی تام و تمام رژیم خمینی با همه دسته بندیهای هستند، نمی توانند با اکثریت، "نهفت"، "جمعیت" و "محافل ازمیشت حاکمه" دارای "منافع مشترک" باشند.

بگذارید برای رفع هرگونه ابهام در رابطه با این شی فرمیستی به نقل قول دیگری نیز در همین رابطه رجوع نمائیم. پلنوم نشینان اکثریتی "از هموطنان می طلبید که در راه درهم شکستن تلاشهای محافل جنگ افروز در هیات حاکمه، مبارزه را خدشت بخشد." (بکار شماره ۵۶)

ملاحظه نمودید که ما بیخود نگفتم که در این استراتژی، سرنگونی رژیم خمینی اساساً طرح نشده و نیست. بلکه ویران اکثریت تشدید مبارزه علیه "جناح جنگ افروز در هیات حاکمه" (المته آزادی کشی) رژیم مطرح است و لا غیر. اما و با این وجود اکثریت

استراتژی رفوم - تاکتیک فشار

(نگاهی به پلنوم اخیر جریان موسوم به اکثریت)

هنوز درگیر دوساله "کوچک" است. اولاً بهرحال اکثریت، شعار سرنگونی رژیم خمینی را قبول کرده است و بسادگی نمی‌تواند آنرا بکثرت بگذارد. بخصوص که مقاومت انقلابی مسلحانه چنان رادیکالیزمی را در جامعه ایجاد کرده است که کمتر فرمیستی می‌تواند رسماً از شعار سرنگونی دست بکشد. ثانیاً شرایط سیاسی مشکل بحران انقلابی در جامعه بسط استراتژی و مضمی سیاسی رادیکال را می‌طلبد.

مشکل شعار سرنگونی رژیم

بینیم اکثریتها چگونه به توجیه این مسائل دست و پاگیر می‌پردازند. نویسنده مقاله درپایخ این سوال: "اینکه "نهیست" و "جمعیت" اعلام کرده‌اند که خواهان سرنگون ساختن رژیم و ولایت فقیه هستند. درحالیکه مادر راه سرنگونی رژیم و ولایت فقیه مبارزه می‌کنیم و اعلام کرده‌ایم که تنها کسانی که چنین شعاری را پیش برند، می‌توانند با ما در اتحاد جبهه ای به سر برند." (کار شماره ۵۷)

می‌نویسد: "اولاً تشکیل جبهه بمشابه عالی ترین شکل اتحادهای سیاسی متضمن توافقهای معین است. ما اهداف جبهه را اعلام کرده‌ایم و در صورت توافق "نهیست" و "جمعیت" بر سر این اهداف حاضر به تشکیل جبهه با آنها هستیم. ما "نهیست" و "جمعیت" را ترغیب می‌کنیم که بپذیرد و استوار علیه رژیم ولایت فقیه مبارزه کنند. بینیم درپایخ نیز حاضر نیست لفظاً هم که شده از سرنگونی رژیم خمینی حرف بزند، بلکه خواهان مبارزه "بیگرو استوار" علیه رژیم ولایت فقیه است. البته نویسنده اکثریتی به این هم بسنده نمی‌کند، از نظر فرمیستهای اکثریتی مساله شعار سرنگونی رژیم خمینی و تشکیل جبهه بر محور آن، تازه، یک جنبه مساله است. سازمان به ضرورت تشکیل جبهه برای دستیابی به میرترین شعار جنبش ما صرفاً از نقطه نظر اتحادهای سیاسی نگاه نمی‌کند. اتحاد عمل فعالین و هواداران ما بسا نیروهایی که تحت نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی "نهیست" و "جمعیت" باشد، اکیداً مورد توجه ماست. همانجا نویسنده اکثریتی از ترس اینک ما مانا همیسن توجیهات خفیف هم به مذاق نهیستی ها و جمعیتی ها و نظایر آنان خوش نیاید، جابجا و بسادست پاچگی و بسا زبان بی زبانی، طرفهای مورد معامله را حالی می‌کند که از این توضیحات نگران نشوید و مادر هر موردی آماده مذاکره هستیم و از این بابت خیالتان تخت باشد توجه کنید. ما که برای تامین عالی ترن شکل اتحادهای سیاسی دست خود را گشوده‌ایم، با پیش راندن اتحاد عمل در عرصه‌های گوناگون کار و زندگی به تحقق آن مساعدت می‌نماییم. در عین حال پنهان نمی‌کنیم که آماده‌ایم با هر نیروی متوقفی مسلح خواه آزادی طلبی بمنظور بیکار موثرتر در راه آناج های مشترک بسا مذاکره بکشاییم." همانجا - تاکید از ما است.

واضح است که برای برکناری جناح جنگ طلب و مستبد رژیم!! با کلمه شعار سرنگونی رژیم، نمیتوان "بیکار موثرتر" را سازمان داد. از اینرو باید "سب مذاکره" را با بارزگان و شرکا، بکشایند تا که از پیش نصاب آقایان بی بهره نمانند.

در حال، رهبران اکثریت البته از این "هوشیاری" سیاسی برخوردارند که در این اوضاع و احوال بسدت بحرانی همه تخم سونها را در یک سبد نگذارند. بنابراین نباید انتظار داشت که همین امروز و فردا شعار سرنگونی رژیم را بطور کامل و بشکل رسمی هم به کسار بگذارند.

دوران "آرامش" سیاسی

گفتیم که بحران انقلابی در جامعه ما چنان زرف و تاثیرات آن شگرف است که هیچ نیروی سیاسی جدی و مدعی انقلابگری، آنهم بخصوص از نوع "پرولتاریش" قادر نیست سهل و سانه آنرا پشت گوش اندازد. این شرایط در هر گام عملی جواب مطلوب و از هر نیروی می‌طلبد. اکثریتها با آگاهی از اینکه با سپر صحت گذاشتن بر وجود دوران و بحران انقلابی امکان اراشه این چنین استراتژی و مضمی سیاسی رفمیستی برایشان دست نخواهد داد و حداقل با تعارض بخشی از بدنه تشکیلاتشان روبرو خواهند شد، از سرنوچاری به چشم فریستن برواقعیت وجودی جامعه روی می‌آورند و کودن تراز هر رفمیستی به در بحران انقلابی و بیسان دوران "آرامش" سیاسی پناه می‌برند. کار اکثریت می‌نویسد "سخن بر سر این است که ما چگونه می‌توانیم راهبر مردم بسوی انقلاب آتی باشیم. سخن بر سر تدارک انقلاب مردم است. ما نباید قادر باشیم وظایف خوارا در دوره "آرامش" بدرستی تشخیص دهیم و از عهده انجام آن بگذریم." همانجا

براستی که آدم باید از هر کسی کور و کور باشد و از طرف دیگر بسیار دیده که این چنین وضعیت و بحران انقلابی در جامعه یک حسن دیگر هم است. اکثریتی ها دارد. آنهم توجیه "هنکاری"، "هنگامی" و "اتحاد" با جرماتی که همین اکثریتها سالهای سال - آنزمان که سرگرم بازی مبارزه شد امپریالیستی بودند و هنوز به قمار دنگراسی روی نیاروده بودند. آنان را لیبیرالهای ضد انقلابی و نوگران و سز دوران امریکایی می‌خوانند. کار اکثریت با زبان بی زبانی، چنین توجیه گر این رابطه است: "آماجهایی که در وضعیت انقلابی در دستور بیکار ما است با هدف هایی که در وضعیت غیر انقلابی ستیزگانه نبود ما را تشکیل می‌دهد، تفاوت می‌کند. چه بسا نیروهایی که در وضعیت انقلابی، هنگامیکه توده‌های مردم برای تحول رادیکال و انقلابی جامعه نبرد می‌کنند، از این هدف روبرو نباشند و در جبهه مقابل مردم قرار می‌گیرند، در حالی که در وضعیت دیگر، زمانی که اصلاحات دمکراتیک در دستور فعالیت ما است، با جنبش مردم همراه و متحد شوند." ببینید که اکثریتی ها با چه دردیگی خاصی برای توجیه استراتژی "اصلاحات دمکراتیک"، شرایط جامعه را "وضعیت غیر انقلابی" جلوه می‌دهند و دشمنان دیر و شان رادوستان امروزی می‌شناسند.

تاکتیک فشار

موفق روشن نمودیم که استراتژی رفمیستی اکثریت بر روند استحاله رژیم استوار است. و با سه زبان اکثریت و ادار کردن رژیم به عقب نشینی و تدارک

کام به کام مواضع جنگ افروانه و مستبدانه است. متحدان اکثریت هم باید از میان نیروهایی انتخاب شوند که از این استراتژی پیروی کرده و با مبتکر چنین استراتژی رفمیستی باشند. این چنین است که بطور طبیعی و یعنی اکثریت متحدین خود را پس از سالها باز می‌شناسد. بده "نهیست" و "جمعیت" و محافظان نظیر آن، متحدین واقعی اکثریت هستند.

از نظر تاکتیکی هم، مضمی استراتژیکی اکثریت، تاکتیک مناسب خود را می‌طلبد. اگر در گذشته متسلاً در پلنوم سال ۶۵ اکثریت تمام "اشکال مسالمت آمیز و لبر آمیز مبارزه" را حجاز می‌دانست، اکنون دیگر دوران این گنده گوشها به پایان رسیده و باید از استادان جدید فن مبارزه مسالمت آمیز قانونی رایاد گرفته و تعریف نمایند. بده بر اساس مضمی جدید وظایف معینی هم بردوش اکثریتی ها قرار می‌گیرد. این وظایف بدین قرارند، از یکسو باید "جایات و آزادی کشیهای رژیم را هر چه وسیع تر افشا و در عرصه سیاسی و بین المللی نیروی هر چه بیشتری را علیه آن بسیج کرد" و از سوی دیگر که در واقع جهت اصلی تاکتیک و فعالیت اکثریت را متمم باید تشکیل دهد "با تمام نیرو از هر منفذ و شکاف کوچکی هم که در سیستم سرنگوب رژیم پدید آید، هر چند هم که ناچیز باشد برای باز کردن آن حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد. باید با بکار گیری هر نوع ابتکار و انعطاف در هر مجتمع و جمعیت و حرکتی که هدف آن تامین آزادی سیاسی است بسا در این جهت تاثیر می‌گذارد. فعالانه مشارکت کرد.

در اینجا مساله اصلی حضور در مجامع و حرکات علمی و نیمه علمی، رسمی و غیر رسمی است که از سوی محافل و جریانهای مختلف هواداران آزادی، با شکل مذهبی و یا غیر آن از سوی جریانهای شناخته شده روزروازی و یا غیر آن شکل می‌گیرد. (کار شماره ۵۷) حقیقتاً که آقایان اکثریتی خیلی سریع در سبهای "میلدسی مشاور جماران" رایاد گرفته‌اند. بارک الله بر این خلاقیت و استعداد رفمیستی! بده بعد از این رهنمودهای تاکتیکی دایمانه، نیروهای اکثریتی باید فکر بکارگیری "تمام اشکال مسالمت آمیز و لبر آمیز مبارزه" را بواشکی به کناری گذاشته، همه با هم بدون "ترس از شناخته شدن" زاهی جامع و سراز سخرانهها و جلسات بازرگان و شرکا شوند. ببخشید داشتیم مجامع و سخرانههای آیت الله منتظری را از یاد می‌بردم! چون تا رکیباً منتظری هم هزارگاهی دم از "آزادی" می‌زند و آه و ناله سر می‌دهد، که ای وای آزادی از کف رفت. چنانکه پیداست داد و بوقان و لببند خمینی هم به مذاق اکثریتی ها خوش آمده که لقب حذف شده آیت الله را بر وی بازگردانیده‌اند، تا که اگر به جماران راه نیافتند شاید بتوانند "سب مذاکره" را در قم بکشایند! نتیجتاً اساس تاکتیک اکثریت که هدف استراتژی استحاله و "اصلاحات دمکراتیک" درونی رژیم را تمقید می‌کنند سر واره آوردن فشار رژیم استوار است. اشکال گنولی این تاکتیک فشار، در شرایط گنولی شرکت در مجامع و سخرانههای "موافقان غیر حاکم" رژیم و بعضی از معترضین به جمعهایی از سیاست رژیم می‌باشد. چگونه بازرگان و شرکا، "صلح طلب"، "دمکرات" و "مستقل" میشوند؟

جریان اکثریت در طول مقالات منتشره در رابطه



هزار جریعه مخالف

فراخوانی از طرف ائتلاف شد جشنهای آغاز ریاست جمهوری برای يك برنامه مردمی!

زانبه ۱۹۸۹
توضیح: آنچه که در زیر می‌آید، ترجمه اعلامیه‌ایست که از طرف حدود ۷۰ سازمان و گروه مترقی بایندگانها، خاستگاهها، گرایشها و علایق گوناگون برای مخالفت با ریاست جمهوری جورج بوش صادر شده است.
"وقتی ما همین وگامیوتر، سودجویی و حق مالکیت بیش از مردم اهمیت دارند، مثلث عظیم نژادپرستی، مائربالیسم و نظامی گرایی را نمیتوان شکست داد."
دکتر مارتین لوتر کینگ ۱۹۶۷

برنامه‌ای مردمی
ما خواستار احترام به همه مردم هستیم.
ما معتقدیم که همه مردم بایستی از حق تغذیه مناسب، سکن، لباس، درمان و آموزش و پرورش برخوردار باشند.

ما معتقدیم که هر زن، مرد و کودک حق دارد که در یک محیط غاری از خشونت زندگی کند.

ما معتقدیم که افراد دارای حق اشتغال می‌باشند.

ما معتقدیم که افراد حق تشکیل اتحادیه و جنبشهای سیاسی را دارند و دولت در این مورد نباید مداخله‌ای ایجاد کند.

ما معتقدیم که افراد بایستی که به آب، هوا و محیط غاری از آسوم شیمیایی و فضولات اتمی دسترسی داشته باشند.

ما معتقد به حق خودمختاری و داشتن نماینده سیاسی هستیم.

ما معتقدیم که جهان حق حیات بدون دخالت نظامی آمریکا و تهدید نابودی اتمی را دارد.

ما معتقدیم که "امنیت ملی" مشتمل بر راهبسی از اسرار دولتی و دروغ از یک طرف و احترام به حقوق بین المللی از طرف دیگر می‌باشد.

در آخر، ما خواستار دولتی هستیم که جوابگوی نیازهای مردم و این کره باشد و نه در خدمت منافع ارتش و شرکتها.

جورج هربرت واکر بوش و جیمز دفورث گوبل منتخب اکثریت مردم این کشور نمی‌باشند. فقط ۲۷٪ واجدین حق رای به آنان رای دادند. جشنهای آغاز ریاست جمهوری این دو نفر فقط یکی از نشانه‌های اولویتهای سنجیده این دولت می‌باشد.

این اولویتهای ناشی از چهل سال "جنگ سرد" می‌باشند. از زمان تصویب لایحه امنیت ملی در سال ۱۹۴۷ (که منجر به تشکیل سیا و شورای امنیت ملی

شد) یک دولت مخفی در این کشور تشکیل شده است. این "دولت امنیت ملی" قوانین داخلی و بین المللی را زیر پا گذاشته، در داخل و خارج به ترور سیاسی مبادرت نموده، نیروهای مزدور "خصوصی" برای انجام جنگهای غیرقانونی مخفی بوجود آورده، اقدام به خرید و فروش مواد مخدر برای پرداخت بخشی از هزینه‌های این عملیات نموده است.

جورج بوش اولین رئیس جمهور آمریکا می‌باشد که قبلا رئیس سازمان سیا بوده است. رونالد ریگان، رئیس جمهور پیشین آمریکا، در دوران تفتیش عقاید سناتور مک کارتی از خیز چنان حقوق بگیر اف سی آی در هالیوود بود و هنرستان چپ رالو می‌داد. جورج بوش به عنوان رئیس سیا و سپس در نقش معاون رئیس جمهور عمر مهمی در نهادهای تاریک عملیات محرمانه بوده است.

در دوران ریاست جمهوری ریگان، بوش مسئول مبارزه با تروریسم بود. بوش یک بهره اصلی در فروش اسلحه به ایران بود گرچه منکر این امر می‌باشد. بوش حداقل در ۱۷ میتینگ مربوط به فروش اسلحه به ایران شرکت داشته است.

بوش به عنوان رئیس گروه ضربت جنوب فلوریدا، در همین حال مسئول برنامه فدرال در مورد مبارزه با مواد مخدر نیز بود. امین میس، دادستان کل آمریکا در زمان ریگان، به اف سی آی و اداره مبارزه با مواد مخدر گفته بود که از تحقیق راجع به چند قاچاقچی گوهری کند چونکه گروه ضربت بوش قصد انجام تحقیقات را دارند. اما آن تحقیقات هیچگاه انجام نشدند. آیا این مسئله بخاطر آن بود که قاچاقچیان مواد مخدر در همین حال اسلحه نیز برای کونتراهما قاچاق می‌کردند؟

سروکار داشتن بوش با تروریستهای دست راستی دلان بین المللی اسلحه و قاچاقچیان مواد مخدر بایستی که موجبی برای محاکمه او باشد و نه دلپای برای جشن ریاست جمهوری. تاجگذاری یک رئیس جمهور مخارج سنگین جشن آغاز ریاست جمهوری (به میلیون دلار)

رئیس جمهور	سال	هزینه تخمینی
ریچارد نیکسون	۱۹۷۳	۴
جیمی کارتر	۱۹۷۷	۳/۵
رونالد ریگان	۱۹۸۱	۱۶/۴
رونالد ریگان	۱۹۸۵	۲۰
جورج بوش	۱۹۸۹	۳۲/۴

حقایقی در مورد آمریکا

- سو استفاده و ریخت و پاش در وزارت دفاع حدود ۲۵ میلیارد دلار می‌باشد.

- بیست درصد کودکان در فقر بسر می‌برند. از زمان ریاست جمهوری ریگان، بیست درصد ثروتمند جمعیت مالیات کمتری می‌پردازند در حالیکه به مالیات هشتاد درصد دیگر افزوده شده است.

یس از افریقای جنوبی، آمریکا تنها کشور صنعتی دنیاست که فاقد هرنوع سیستم طب ملی می‌باشد.

- بودجه تحقیق راجع به بیماری ایدز در سال ۱۹۸۸، ۲۴۴ میلیون دلار بود که این مبلغ معادل ۹ درصد از بودجه "جنگهای ستاره‌ای" می‌باشد.

- حکومت ریگان - بوش، میزان کسری بودجه را به دو برابر افزایش داد که مبلغ آن از مجموع کسری

کارگر

در بازوانت چراغ می‌درخشد و باروت از بازوانت رنج می‌چکد و سود

مشتی از خطوط در هم پیشانی ات به اشارت طلای بازوانت زمین را آباد می‌کند

منفجر کن

منفجر کن

نه رنج می‌ماند

نه سود

در بازوانت چراغ می‌درخشد و باروت

احمد البرزی - بهمن ۶۷

اخبار و رویدادهای سیاسی

از ۳ وعناصری که در پست های حساس هستند را تصفیه می‌کنند. ساله حذف منتظری به چنان ساله حساس تبدیل شده که خمینی مجبور شده از زبان پسرش احمد یک تحلیل دور و دراز بنام "رنجنامه" منتشر نماید. این "فرب نامه" برای آرام کردن جریانات داخلی رژیم که شدت از اوضاع کنونی ناراضی هستند، صادر شده است.

بودجه‌های تمام روسای جمهور پیشین، بیشتر می‌باشد. - از زمان جنگ جهانی دوم، بیش از شش میلیون نفر در نتیجه جنگها و عملیات محرمانه تحت نظارت سیا کشته شده‌اند. از سال ۱۹۰۰، آمریکا ۳۹ بار در امریکای لاتین مبادرت به دخالت نظامی نموده است که هفت مورد آن در نیکاراگوئه بوده است.

- از سال ۱۹۸۰ خشونت ناشی از تعصب نژادساز آمریکا شیوع پیدا کرده و بطور متوسط حداقل سه روزی یک حمله نسبت به سیاهان، یهودیها، همجنس بازان و خارجیها صورت پذیرفته است.

- در سال ۱۹۸۸، بیست میلیون نفر در این تروتمندترین کشور دنیا با گرسنگی روبرو بودند.

- به میلیون بی خاندان در آمریکا بسر می‌برند که ده هزار نفر آنها در پایتخت آمریکا زندگی می‌کنند.

- پنج درصد جمعیت دنیا در آمریکا زندگی می‌کند ولی ۳۸ درصد منابع دنیا را مصرف می‌کند.

- بیش از ۲۶۰ نفر از مقامات بالای حکومت ریگان - بوش بخاطر خلافتکاریهای گوناگون مجبور به استعفا شدند که این بیش از میزان دوران نیکسون می‌باشد.

امریکا: از نظر هزینه های نظامی مقام اول را دارد. از نظر تکنولوژی نظامی اول است.

از نظر پایگاههای نظامی و تعداد کشتی اول است. از نظر تعداد سبب و موشکهای اتمی اول است.

اما: از نظر سرانه بودجه آموزش و پرورش هفتم است. از نظر طول عمر افراد هشتم است.

از نظر دسترسی به آب آشامیدنی نهم چهاردهم است.

از نظر مرگ و میر نوزادان هجدهم است. از نظر نسبت پزشک به جمعیت هجدهم است.

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

جنبش کارگری، امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه میرود که سالی پرمبارزه و شکوفا و امید بخش را در پشت سر نهاده است.

سال قبل، در اثر رشد فزاینده قیمت ها، کمیابی و نایابی گسترده مایحتاج زندگی، تورم گمراه کننده و وضع وخامت بار منابع در نتیجه کمبود مواد اولیه، کارگران کشور ما دورانی سخت را گذراندند و تعداد بسیاری از آنها به خیسل بنگاران و خانه بدوشان افزوده شدند.

شک نیست که زحمتکشان کشور ما، بویژه کارگران، بیش از هر قشر دیگری با اوضاع نابسامان کنونی روبرو شده اند. جنگ، بیش از همه، جوانان و نوجوانان زحمتکش را بگام مزه فرستاد و بمباران ها، بیش از همه، آنها را تحت فشار قرارداد، بحران اقتصادی و غیره قرار داد. بحران اقتصادی و غیره را از زحمتکشان چاره می گیرد و دامنه فقر را روز به روز گسترش می دهد.

گرانی و تورم از یکسو جیب کارگران را خالی می کند و ورشکستگی و کم کاری کارخانه ها از سوی دیگر شغل و شغلی را منقطع می کند و از آنجا که کارگران در فقر و محنت و استبداد حاکم شلاق خود را قبل از همه برگزیده آنها می گویند و این واقعات را هیچ شعار و نمایی نمی تواند تغییر دهد. و در برابر چنین فشار و ستمی، کارگران قهرمان ایران علی رغم همه موانع و تهدیدها در ایفای رسالت پیشتازیشان دست به مبارزات قهرمانانه ای زده اند.

در سال گذشته کارگران قهرمان ایران به بیش از ۱۰۰ مورد اعتصاب و اعتراض دست زده اند. از این تعداد، بیش از ۳۰ مورد منجر به درگیری با پاسداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و دیگر قداره بندان در سایه ایداران رژیم شده و تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران دستگیر و زنده ای شده اند. در سال گذشته بیش از ۱۶ هزار کارگر به علل گوناگون از جمله ناتوانی کارخانه در حفظ خطوط تولید و همچنین اعتراضات مختلف کارگری اخراج شده اند. یک نمونه آن مربوط به کارخانجات ارج است. جریان امر بدین قرار بوده که در دوران جنگ تعداد ۶۰۰ کارگر از این محل به کارخانجات منابع نظامی منتقل می شوند تا ماشین جنگی رژیم رابه گردش درآوردند. پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، منابع نظامی کارگران فوق رابه ارج پس می فرستد، اما مدیریت ارج که به سبب کمبود مواد اولیه و قطعات بدکی بسیاری از کارگران شاغل خود را اخراج کرده بود ارجی گرفتن این کارگران خودداری می کند که منجر به درگیری و اعتراض گسترده کارگران می شود. سرانجام در اثر فشار کارگران، مدیریت کارخانه مجبور به پذیرفتن ۲۰۰ نفر از کارگران شده و بقیه را اخراج می نماید.

در ۶۷/۱۱/۲۳ بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران و پرسنل شرکت بنزخاوردن و با اعتراض به نحوه تنظیم ساعت کار، و بسا خواسته هایی چون حق شیفت و حق غذا در سالن اجتماعات این کارخانه دست به اعتصاب می زنند.

در ۶۷/۱۰/۲۱ کارگران یکی از معادن گرام، در اعتراض به تغییر ساعت ناهار از خوردن غذا اصرار می کنند و بسا مبارزات گسترده به این اعتصاب ادامه می دهند.

در ۶۷/۱۱/۱۰ کارگران کارخانه کالسیمن بعلت نگرافتن ۴ ماه حقوق در محل کارخانه دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و فریاد حق طلبانه شان را بلند می کنند.

همچنین در تعدادی از کارخانجات کارگران قهرمان خواستار قطع کمک های اجباری به جیب شدند که این جریان هر روز شکل گسترده تری بخود گرفت.

اسامی برخی از کارخانجات و واحدهای تولیدی ای که در سال قبل صحنه اعتصابات و اعتراضات کارگری بوده است به قرار زیر است:

ارج - فخر ایران - شرکت تادان یور - بنزخاوردن - پارس خودرو - کارخانه چوکا - سایبا - کشت و صنعت کارون - ذوب آهن - فولاد مبارکه - کوره پزخانه های تهران و همدان - کارخانه ایران صدر - ریسندگی گیلان - لوله سازی اهواز - ۰۰۰ اهمیت این مبارزه اجتماعی و مردمی در شرایطی که درخواستی بحقی سرکوب و هر صدهای حق طلبانه ای در کلوخه نشود، برای مبارزین راه صلح و آزادی بسیار روشن است.

جنبش کارگری در همین ما باید پیشتازی خود را در انقلاب راهی بخش ملی به اثبات رسانده و پرچم سرخ کارگری رابه مبارزه برای سرنگونی رژیم ضد کارگری خمینی و تحقق صلح، آزادی، استقلال و سوسیالیسم در اهتزاز نگه دارد.

گرامی باد اول ماه مه، در عمل و در شرایط کنونی، تنها و تنها نیازمند سازماندهی سبیل خروشان است که این بصورت جویبارها براه افتاده و بگونه ای اجتناب ناپذیر بسمت یکی شدن پیش میرود. اول ماه مه را باید بسا سازماندهی و هدایت این مبارزات در جهت گسترش مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی خمینی و استقرار صلح و آزادی جشن گرفت. جنبش کارگری ایران امروز بیش از هر زمان دیگری دارای پتانسیل و امکانات است و به همین اندازه میسر سازماندهی و امکانات و فداکاری می طلبد. اگر به این پرچم و به این آرمان وفاداریم، باید قدم به پیش بگذاریم.

زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگران
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)
تهران - واحد فدایی شهید منصور اسکندری

مردم ایران:

رژیم خمینی به تعقیب، بازداشت، شکنجه و اعدام افسران و درجه داران و سربازانی که در جنگ ضد مردمی خمینی شرکت نکرده اند، مبادرت می ورزد. برای توقف چنین امری، بیایید خیزید و بسا سرنگونی رژیم خمینی، صلح و آزادی را در جامعه مستقر سازید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

۲۴ ت ۲

استراتژی رفوم -

از ص ۶

با مساله تشکیل جبهه و وسیع بازها و بارها چه بطور ضمنی وجه صریحاً، "نهضت" و "جمعیت" را "مترقی" "صلح خواه"، "آزادخواه"، "دمکراتیک" و "فد امپریالیست" معرفی می نماید. جهت اثبات ادعا کافی است که به چند مورد اشاره کنیم. برای مثال در گزارش به بلشویک آمده است "امروز همگساری و اتحاد عمل همه نیروهای مترقی و مدافع صلح پایدار و آزادی خواه کشور در راه آمجبهای مشترک و ناممکن اتحاد آنان در یک جبهه وسیع برای سمت دادن بسا اوضاع دروند های آتی کشور اهمیت جدی یافته است." این نیروهای مترقی و صلح خواه کیانند؟ در ضمن لیست دورودرانی که اکثریت ارائه داده است، اسم نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران هم صریحاً آمده است. نمونه دیگر، نویسنده اکثریتی مقاله "دوره اتحاد وسیع همه نیروهای ترقی خواه" در جواب این سوال که چرا به محافل سلطنت طلب "دست اتحاد" نمی دهند - بطور خلاصه می نویسد که اولاً سلطنت طلبها "دشمن دمکراسی هستند" (۰) بنابراین نهضت و جمعیت دوستانان دمکراسی هستند که به آنان دست اتحاد داده میشود) ثانیاً "ما با شاخص های تاریخی - طبقاتی، آماج ها و متحدین خود را انتخاب می کنیم. محافل سلطنت طلب نمایندگان سیاسی بزرگ بورژواها و بزرگ مالکانی هستند که منافع خود را در تحکیم و ابستگی نواستعماری کشور به امپریالیسم و هر چه سنگین تر ساختن بسوغ بهره کشی کارگران و زحمتکشان و غارت و چپاول خلق جستجو می کنند."

یعنی که بلکه "نهضت" و "جمعیت" که حتماً نماینده "کوچک بورژواها" هستند، متافعشان در استقلال از امپریالیسم و عدم غارت و بهره کشی از کارگران و زحمتکشان است. خلاصه کلام از نظر اکثریت جهت "لیل به آماج های صلح خواهانه ضد امپریالیست و دمکراتیک مردم ایران" است که باید دست "اتحاد" و "همکاری" و "همگامی" بسوی نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران دراز کرد.

این چنین است که اکثریت جهت رسیدن به اهداف خائشان و فرمیستی اش جریانهای ضد انقلابی همچون "نهضت" و "جمعیت" را "دمکرات" و "مستقل" و "صلح خواه" معرفی می نماید. همانطوریکه در گذشته خمینی شد بشر را ضد امپریالیست و مستقل و دمکرات معرفی می کرد. البته آن زمان که خمینی "قد امپریالیست" و "دمکرات" در ائتلاف با نهضت و جمعیت "آزادخواه": "صلح خواه" و "مستقل" بر می برد، همین دارودسته نمایندگان "نهضت" و امپریالیست انقلابی و وابسته به امپریالیسم قلمداد می کردند. حال امروز بدون هیچگونه توضیحی و بنا به چرخش نوله قلم "دمکرات" های آن زمان "آزادی کش" و "وابستگان" آن روزی "مستقل" معرفی میشوند. در هر صورت در این رابطه ذکر چند نکته ضروری است. اولاً جریان "نهضت" و "جمعیت" بنا به "شاخص های تاریخی - طبقاتی" به مثابه نماینده جناحی از بورژوازی متوسط ایران به هیچ وجه دارای ذره ای

عوامفریبی

از ص ۱

مقاله نویسنده طرفداران کنگره هشتم می‌نویسد:

"در این رابطه گروه "هویت" وضعیت انگیزی دارد. چراکه از طرفی به علت تبعیت از مجاهدین رجوی که دستکاری برایشان کلاً بیگانه است و از جانب دیگر به علت وفاداری به دکم دیکتاتوری پرولتاریاسا کار راجبایی رسانده که گلاسنوست را با آنتی کمونیسم مترادف می‌داند." (ص ۵ - شماره ۴۸ نشریه کوردستان) در اینجا مذاکره جویان با خمینی به شیوه آخوندها می‌خواهند با عوامفریبی از آب گل آلود ماهی بگیرند. این دروغ که ما "گلاسنوست" را با "آنتی کمونیسم" مترادف می‌دانیم، از یک جعل عوامفریبانه ناشی می‌شود. طرفداران کنگره هشتم از آنجا که نمی‌خواهند نیروهای خود را با واقعیات موجود بطور همه جانبه آشنا کنند و در صدد هستند تا هر چه بیشتر آنان را در جهل و بی‌خبری نگه دارند، در این مورد نیز از آنتی استقبال می‌کنند که چشم بسته و بدون آگاهی به تمام جوانب مسأله، بطور سطحی "گلاسنوست" را بپذیرند و از آن تقلید کنند. ما اکنون شاهد وضعیت باز این جریان است تقلید کننده که چگونه بر اساس همان مندرکینه شده حزب توده به دنباله روی از قطب سورد نظر می‌پردازند هستیم. در حالیکه ما نه امروز و نه در سالهای گذشته هیچگاه سیاستهای اتحاد شوروی را درست قبول نکرده - ایم و در حالی که این کشور را سوسیالیستی ارزیابی کرده‌ایم به این "سوسیالیسم موجود" انتقادات اصولی بخصوص در زمینه برخورد با مسائل جامعه خودمان داشته‌ایم. بسیاری از کسانی که امروز برای "گلاسنوست" سرودت می‌کنند، دبروز برای "برزن" و چند روز قبل برای دیگری هورا می‌کشیدند. اما ما همواره ضمن توجه به جنبه‌های مختلف سیاست اتحاد شوروی، از موضع گیریهای عجولانه خودداری کرده‌ایم. ظاهراً طرفداران کنگره هشتم از زمانیکه نیست فیکس" رابه حزب دمکرات کوردستان ایران تحمیل و سبب انشعاب بزرگی در این حزب شدند، طرفدار دفاع "فیکس" از "گلاسنوست" شده‌اند. کار رسوایی دارو دسته طرفدار کنگره هشتم بجایی کشیده که در حالیکه در درون جریان خود "شعبه‌ها از روسته" است، از تحولاتی دفاع می‌کند که یکی از جنبه‌های آن مخالفت با آن متدهای انتخاباتی است که در آن "رهبر مقتدر" با ارائه "لیست فیکس" دوستان خود را دست چین می‌کند. ملاحظه می‌شود وقتی منافع حقیقی سرکردگان جناح طرفدار کنگره هشتم ایجاب کند، می‌توان سیاه را سفید و سفید را سیاه اعلام نمود. اما اشاره مقاله نویسنده کوردستان به اینکه ما "گلاسنوست" را مترادف با "آنتی کمونیسم" نامیده‌ایم، به چاپ ترجمه مقاله‌ای از هفته نامه گاردین در نبرد خلق شماره ۵۷ (اول فروردین ۶۸) تحت عنوان "اگر گلاسنوست این است، چه کسی به ضد کمونیسم احتیاج دارد؟" است. مقاله نویسنده کوردستان به شیوه همیشگی و غیرمتم توضیح نثری به نبرد خلق، ابتدا با عوامفریبی آب را گل آلود کرده سپس ماهی مورد نظر خود را شکار کرده است. در مقاله هفته نامه گاردین به سواری از سیاستهای اتحاد

برخی از رویدادهای تاریخی از ص ۱۲

۲۹ خرداد ۱۳۳۰ - خلق به از شرکت نفت انگلیسی توسط دولت ملی دکتر محمد مصدق

۲۹ خرداد ۱۳۵۹ - حمله مزدوران دربار محمد رضا شاه به میتینگ حزب توده در باابل و شهادت تعدادی از تظاهرکنندگان

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اوباشان و سرکوبگران رژیم خمینی به این تظاهرات اعتراضی و شهادت دهها مبارز و ملیشهای مجاهد در تهران و شهرستانها و روز آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

۳۱ خرداد ۱۳۶۰ - اعدام دسته جمعی تعدادی از زندانیان سیاسی ایران بدستور خمینی - در این روز منجمه رفیق فدایی سعید سلطانپور و مبارز قهرمان محسن فاضل از اسز مان پیکار اعدام شدند.

روزهای تاریخی

۱ زوشن برابر با ۱۱ خرداد - روز جهانی کودک خارجی - از ۲۲ مه تا ۲۱ زوشن

۲۵ مه ۱۹۶۳ - تاسیس سازمان وحدت افریقا

۲۸ مه ۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس، اولین دولت کارگری در جهان و اعدام انقلابیون کمون بوسیله نیروهای ارتجاعی فرانسه

۳۱ مه ۱۹۲۹ - حمله نهائی جنبه ساندینیست علیه نیروهای سوموزا در نیکاراگوئه

۴ زوشن ۱۸۲۷ - تشکیل نخستین تشکیلات کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست ها بوسیله مارکس و انگلس

۵ زوشن ۱۹۶۹ - تاسیس و تصویب وقت انقلابی در بخش جنوبی ویتنام

۶ زوشن ۱۹۸۲ - حمله وحشیانه دولت اسرائیل به اردوگاههای فلسطینی در لبنان

۹ زوشن ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جنبه خلق برای آزادی عمان

۱۶ زوشن ۱۹۲۸ - تولد رفیق ارزستوجه گوارا

۱۸ زوشن ۱۹۵۴ - کودتا علیه دولت ملی آرینتر در گواتمالا توسط امپریالیسم امریکا

استراتژی رفرم -

از ص ۸

بتاسیل استقلال طلبی و "آزادیخواهی" نیستند و آنچه که درباره استقلال و آزادی می‌گویند جز فریب و نیزنگه و ریا چیز دیگری نیست. ثانیاً کارنامه سیاسی نهضت آزادی در کلیت و بخصوص بعد از قیام بهمن ۵۷ به خوبی نشان می‌دهد که آزادیخواهی این جریان دروغین و صلح طلبی آن ریاکارانه است. بنابراین اگر تفاوت درباره "نهضت" و "جمعیت" را نه بر مبنای آنچه که خود مدعی هستند بلکه بر پایه پراتیک سیاسی شان فراردهیم، روشن می‌شود که "نهضت" و "جمعیت" در همه "آزادی کشی" ها و "جنگ افروزی" های " رژیم خمینی شریک و سهیم بوده است. و حال که رهبران خائن اکثریت این مساله را لا پوشانی کرده و چهره‌های "سز" و "معصوم" از بازارگان و شرکاء می‌سازند، خیانت بزرگ دیگری در حق مردم محروم و زجر کشیده ایران مرتکب شده و کارنامه خیانتهای خود را قطورتر می‌نمایند.

کلام آخر

جریان اکثریت اگر یکبار زیر علم "مبارزه ضد امپریالیسم" به حمایت از ارتجاعی ترین و ضد انقلابی ترین رژیم در تاریخ معاصر برخاست و بدین وسیله مرتکب خیانت بزرگی در حق مردم ایران شد، اکنون زیر علم "مبارزه برای دمکراسی" به حمایت از بخش دیگری از ارتجاع ایران برخاسته است که اینهم به نوبه خود اکثریت رابه ورطه خیانت دیگری در حق مردم ایران سوق می‌دهد.

جالب اینجاست که در هر دو حالت - سوازی بنیاد - های فکری این مشی رفرمیستی که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست - جریان اکثریت نه بر اساس منافع و منافع مردم ایران، بلکه بر اساس تئوریه‌ها، رهنمودها و دستور العمل های "حزب برادر" اتحاد شوروی عمل می‌نماید.

اسفند ماه ۱۳۶۷
سعید پزدا نینها

است، قادر باشیم در مواقع ضرور مواضع درست اتخاذ کنیم. مقاله نویسنده نشریه "کوردستان" مطمئن باشد که ما با اینگونه عوامفریبی ها، به موضع گیری عجولانه کشیده نخواهیم شد، ضمن اینکه جنبه‌هایی از این تحولات در حال حاضر مورد تأیید ماست و جنبه‌هایی از آن نیز مورد انتقاد ماست. سیاست کنونی ما اینست که هر چه بیشتر در این زمینه اطلاعات در اختیار فعالین جنبش انقلابی فراردهیم، بدین لحاظ در شماره آینده نبرد خلق نیز ترجمه مقاله‌ای در رابطه با سیاستهای خارجی اتحاد شوروی چاپ خواهد شد. بدیهی است که نه چاپ مقالاتی که در تائید "گلاسنوست" نوشته شده و نه آن مقالاتی که جنبه انتقادی دارد، به معنی تأیید درست مقاله از طرف ما نیست و ما در مواردی که ضرورت مواضع خود را جداگانه اعلام خواهیم کرد. در همین جا لازم است متذکر شویم که اگر دارو دسته طرفدار کنگره هشتم می‌خواهند با توسل به "گلاسنوست" و "پروستریکا" سیاست ضد انقلابی مذاکره با رژیم خمینی که از

شوروی اشاره می‌کند که بهتر است طرفداران کنگره هشتم حزب دمکرات موضع خود را نسبت به این موارد روشن کنند. اگر این موارد را هم نمی‌دانند، بهتر است مقاله نویسنده نشریه "کوردستان" در مورد ملاقات وزیر امور خارجه اتحاد شوروی با خمینی در اوج بزرگترین گشتار زندانیان سیاسی مواضع خود را روشن کنند. آیا سرکردگان این جریان با اینگونه عوام فریبی ها در صدد هستند تا هواداران و افراد خود را در جهل نگه دارند و از "گلاسنوست" نیز یک "دکم" سازند. در حالی که ما برعکس دارو دسته طرفدار کنگره هشتم، در صدد هستیم تا از جنبه‌های مختلف تحولاتی که در کشور اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی می‌گذرد اطلاع حاصل کرده و آنرا در اختیار خوانندگان نبرد خلق فراردهیم. شماره‌های گذشته نشریه نبرد خلق نیز با چاپ مقالاتی در این زمینه که همگی آن از منابع معتبر بین المللی بوده‌اند، به این وظیفه عمل کرده و در آینده نیز این گونه عمل خواهد کرد تا با آگاهی به تمام جنبه‌های تحولات بزرگی که در کشورهای سوسیالیستی در جریان

فتوای قتل سلمان رشدی را مستوان یک تک نمسود به حساب آورد. این عمل برآمده از تعریضش ایدئولوژی یک خمینی است، بیشنی که برای تقابل با اندیشه مخالف، راه حلی جز سرکوب، اعدام و حذف فیزیکی صاحبان اندیشه‌های مخالف را نمی‌شناسد، چرا که به علت ضد تاریخی بودن و عدم بالندگی، در عرصه تبادل با تعارض آزاد اندیشه‌ها، ناجار است میدان را بسرای اندیشه‌های بالنده و روبه رشد خالی کند و به مرگسی بازگشت ناپذیر تن بسیاری از گریختنی در شام عمر خود برای قتل سلمان رشدی فتوا داده است، در پام زندگی و در نخستین سالهای ورود فعال به عرصه سیاست نیز، برای قتل احمد کسروی چنین فتوایی صادر کرد.

چهل و سه سال پیش (۱۳۲۴ شمسی)، در چنین روزهایی خمینی و آخوندهای صاحب نام نجف، فتوای قتل زنده باد احمد کسروی، تاریخنگار و اندیشمند برجسته ایران، را صادر کردند (۱). در راستای پیشبرد این فتوا، فدائیان اسلام در اردیبهشت ۲۴ به قتل او کمر بستند. کسروی زخمی شد، اما از مرگ جان به در برد. خمینی دو سال قبل از این تاریخ، در جسدی لاول ۱۳۴۳ قمری، در اعلامیه‌ای خطاب به آخوندهای حوزه‌ها، ضمن انتقاد از متعل آنها از کفر دادن، یک نفر تبریزی بی سروپا که آیین آنها را دستخوش ناسازا کرده، گفته بود: "این چه ضعف و بیجاگی است که شمارا فرا گرفته است؟" (۲). کشف الاسرار او نیز پاسخگو نمی است به القایات شک برانگیز کسروی و شریعت سنگلجی، که در همان دوران نوشته شد.

در کارنامه کسروی یک نقطه برجسته بیش از سایر موارد، خمینی و هم مسلکان او را می‌آورد و آن برخورد خصمانه او با آخوندها بود. کسروی "ان ملا بی خورمن را شرک" می‌دانست و از این قشرانگل صفت "بیزار" بود (۳). از "وحشیگری ملایان و بی‌سروان ایشان" در جنبش مشروطه، همواره، به بدی یاد میکرد (۴) و از این که می‌دید ملایان خود را جانشین اسلام می‌دانند و بدان دستاویز، در نجف و قم دستگها برپا گردانیده‌اند، خون دل می‌خورد و می‌گفت: "من نمی‌دانم به چنین دعوی بسیاری خردانه شوم چه نامی دهم، نمی‌دانم به چنین زورگویی بی‌شرمانه به چه زبان ابراد گیرم!" (۵)، "رفتار ایمان دلیل بر تکیبی است که گروهی بر دیدند و جز در بی خوشگذرانیهای خود نمی‌باشند و این پیشه را بهترین راه برای آن می‌شناسد... تیره درونانی که از زندگی جز شکم پرستی و کافکاری را نمی‌میدانند و از تکی‌خواهی و دلسوزی به مردم به یکبارگی بهره‌اند" (۶)، آخوندها و از جمله خمینی، برای تحریک احساسات مذهبی مردم علیه کسروی شایع کرده بودند که او قسرا را سوزانده است و فد اسلام و تبعه است. کسروی ضمن مقابله خصمانه‌اش با آنها، حساب قرآن، اسلام و تشیع را، بارها، از باروهای ارتجاعی آنها جدا کرده بود: "قرآن مرتد ما کراسی است و همیشه یار آنرا داشته‌ایم و می‌داریم و خواهم داشت" (۷). "ما از اسلام هواداری بسیار می‌کنیم ولی آنها (ملایان) نام پاک اسلام را از ما پیشرفت اندیشه ناپاک می‌گردانند" (۸). "شمیگری، نخست یک کوشش سیاسی بی‌آلشی می‌بود و شیعیان مردان ستوده نیکی بشمار رفتندی... امام علی بن ابی طالب مرد بزرگی بود و ستودگیهای بسیاری می‌داشته... چیزی که هست شمیگری در این

سادگی خود نایستاد و هر زمان رنگ دیگری بسته آن زده شد" (۹). البته دعوی کسروی با متولیان دین، امر نوپدید و تازه‌یی نبود و در سراسر دوران دیکتاتوری ۲۰ ساله ویس از آن ادامه داشت، اما از آن جایی که در دوران رضا خان، این قشر در زیر مهمیز مشیقه و فشار قرارداد است و از قدرتی قابل انکا برخوردار نبود، این منازعه در حد دفتر و دستک و تئوری باقی ماند و به مرحله تعارض و رویارویی خشن نرسید. ولی وقتی پس از شهریور ۲۰، در دوره دولت فروغی (ذکا الملک)، کشیش را سیاستی و گرامد و فروغی برای خنثی کردن زهر تئوریهای دوره دیکتاتوری علیه متولداران مذهب و دستیابی به مقبولیت اجتماعی به استمالت و دلجویی سیاستگردانان حوزه‌های دینی، به وسیله

دیروز کسروی، امروز رشدی

نقل از:

شورا: ماهنامه شورای ملی مقاومت ایران
شماره ۲۶ - دی تا اسفند ۱۳۶۷

عبدالعلی مومنی

حوادث دوزم، دوران مردمی دانستم که در چنین هنگامی دانسته‌های خود را نگویم! (۱۲). در دوره نخست وزیری صدرا لاشراف، ارتجاع یک تازت شد. او از چهل سال قبل، که کتی علیه مجاهدان مشروطه و پیوندگان راه آزادی را در کنار شیخ فضل الله نوری، مقتصدای تاریخی خمینی و فدائیان اسلام - و محمد علی شاه قاجار تجربه کرده بود و اکنون، سوار بر استر قدرت دولتی، با سردی پنجه در پنجه می‌شد که از همان هنگامه بر آتش و خون تا اکنون، عشق به مجاهدان مشروطه و کینه به دشمنان کین جوی آنها - چه شاه و چه شیخ - را، زنده و جوشان، با جان و خون خود در آمیخته و در آثار خود، تاریخ مشروطه ایران و تاریخ هیجده ساله آذربایجان - جاودانی کرده بود. البته کلیه شخصی او هم کم از کینه تاریخی نبود. ابرار کسروی به مجلس، به علت گزینش صدرا لاشراف به نخست وزیری، به شدت او را آزرده بود: "نخست، اونام بدی در تاریخ مشروطه به یادگار گذارده... افزایش دست هواداران استبداد گردیده، عضو انجمن آل محمد بوده، در باغشاه مستطقی کرده، این بدنامی نباید فراموش گردد... دوم، صدرا لاشراف مرد بی دانشی است... دانسته‌های او بیش از اندازه بک پیشنامز محلی نیست... سوم، بسیار کینه اندیش است... در واقع یک آخوند حساسی است و به خرافات پایبند است... چهارم، این مردنا نداری وارد میدان زندگی شده... و از راه زوربا گذاشتن مصالح کشور و فراموش کردن وظیفه، اکنون دارای ثروت هنگفتی است" (۱۳). وزارت فرهنگ، در دوره نخست وزیری همین شخص، کسروی را "به گناه کتاب نوشتن و با خرافات جنگیدن" (۱۵) به محاکمه کشاند. این محاکمه، که جنجال برانگیخته بود، به فرجام نرسید. در آخرین جلسه محاکمه کسروی و یکی از یاران استر در برابر دیدگان باز پرس با گلوله و خنجر پسمانده‌های ارتجاع شیخ فضل اللهی در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ شمسی از پای درآمدند. این ترور آن چنان نفرت و انزجار اجتماعی برانگیخت که دجاله‌های پای در کار آن دهها سال لام از کام نگشودند. خمینی ۲۵ سال بعد، وقتی بر مذهب قدرت بلا منازع تکیه زد، در یک سخنرانی

"حاجی آقا حسین قمی" و "آیه الله بروجردی"، پرداخت، بازار جادر و چاقچور و قمه زنی و تعزیه گردانی را روتق داد و مارهای قیل شده و سرده را از چاه بیخ حوزه‌ها در هم سیاست جدید، به صحنه فعالیت‌های اجتماعی کشاند، کسروی بسیار بر آفته شد و تاله و تانگشتان راه به باد انتقاد گرفت: "فروغی، آن مرد بدخواه کینگار... چون در کار خود استوار گردید... برای بازگشتن ملایان و روتقه خوانان و زنجیر زدن و قلم زدن علیه جیده و در زشت نختی که روزنامه نویسان را به قتل رساند... چنین گفت: باید به ساله دین هم اهمیت داد... فروغی نام من می‌برد در حالی که خودش از بدین ترس کسان می‌بود... نمی‌توانم تمیز نمی‌خواند و روزه نمی‌گرفت و با آن دارایی هنگفتی که به مکه برفته بود، اینها چیزهای کوچک است... می‌گویم کمترین نتانی از سبک‌خواهی و دلسوزی به مردم در دل این جهونزاده نمی‌بود" (۱۰). کسروی در آخرین اثر خود - "سرنوشت ایران چه خواهد شد؟" - که در آخرین ماههای حیاتش نوشت، ضمن انتقاد به سر برداشتن و غوغای "ارتجاع" و "آزاد شن اعمال و حقیانه سینه زنی و قمه زنی که ممنوع شده بود"، و رواج دوباره حجاب فراگیر، بی‌محایا به بروجردی، که در همان سال (۱۳۲۴ شمسی) مرجع بلا منازع شیعیان ایران شده بود، می‌تازد و این از اشاره به بسته شدن گرمابه‌های نمره و بازگشایی "خزینهای عمومی سرابا کثافت" می‌گوید: "این حاجی حسین بروجردی همان کسی است که" در بروجرد کسی از ترس او به حمام نمره نمی‌تواند رفت" (۱۱). البته یکی دیگر از ملایان بلند آوازه همان دوره - "آیه الله آقا حسین قمی" - را هم، که رضا خان در دوره کشف حجاب از ابرار تبعیدش کرده بود و ویس از سقوط دیکتاتوری او را سیاستگردانان جدید با سلام و صلوات برگرداننده می‌گوید: "آقا حسین قمی را برای تقویت ارتجاع به ایران آوردند... که به دستبازی او دوباره زنها به حجاب بازگردند و بازار واقف به دست ملایان سیرمه شود... در این چند سال بزرگترین گامی که در راه تقویت ارتجاع برداشته شده این آمدن آقا قمی بوده" (۱۲). این انتقادها، در روزگاری که خود رژیم دست ارباب عمام را برای هرگونه عر و تیزگردنیا

سی خرداد ۱۳۶۰

نعت میرزا زاده

یک شهر، اعتراض
شهری شکفته در گل شورش
با شهر، آفتاب، دهانگشاده کرده باز
با زلفه سنگباران فریاد
- در زیر چتر شرفی گسترده بر فراوسوی آفاق شهر
چتر غبار سوخته باروت -
شهر ایستاده در تمامی اندام خویش خروشان
از بام تا به شام
تا یکمدا به حنجره سوزان
منشور اعضا، باز ستاند
از آن که خود گمبخته پیمان
*
ذهن زمان به یاد نمی داشت
آن گونه پیشواز شدن را؛
آغوش باز خلق، کزان تا کزان،
چندان عظیم
- آه -
که تصویر موجهای خروشان شور و شوق
در بیدگزان آینه آسمان شهر نمی گنجید!
اما شکست حادثه‌یی اینک
باری شکفتن:
نگاشته بیش دو سالی و چند ماه از آن روز
دریای خلق، ده!
این باره،
آتشفشان خلق
شفت درشت مردم
زی آن که پیشواز شد آن سان!
*
برتاب سنگ شعله فریاد،
از نای انفجار.

عوام فریبی زیر پوشش دفاع از «کلاس نوست»

از ص ۹

طرف این جریان با جدیت دنبال میشود و اتوجهی
کنند، سخت در اشتباه هستند. اگر حزب توده نتوانست
با آوردن جملاتی از لنین و مارکس و با مرور مداوم
روزنامه "پراودا" سیاست ضد انقلابی تاشید رژیم
جمهوری اسلامی را ثابت کند، شما نیز قادر خواهید
بود با آوردن این با آن جمله از این با آن تئورسین
"کلاس نوست" سیاست ضد انقلابی مذاکره و سازش بنا
رژیم خمینی را توجیه کنید. آن سیاستی که در کمبری
داخلی در کردستان را ترویج کند، آن سیاستی که فشار
بر مردم و پیشمرگان را تومیه می کند، آن سیاستی که
پیشمرگان را تهدید در دگرگیری می کند، آن سیاستی
که با ارائه "لیست فیکس" راه هرگونه انتخاب
آزادانه را می بندد، آن سیاستی که پیشمرگان گروه
رقیب را اعدام می کند، و سرانجام آن سیاستی که
مذاکره با رژیم خمینی را در دستور کار قرار می دهد،
اگر بنام "کلاس نوست" هم نامیده شود، نه فقط یک
سیاست ضد کمونیستی، بلکه سیاستی ضد مردمی
و ارتجاعی است. بهتراست مقاله نویسی نشریه
"گوردستان" بجای اینکه با فریاد "ای دمکراسی"
سیاست ضد دمکراتیک خود را پنهان کند، کمی به
مردم کردستان و منافع واقعی این مردم بپردازد.
خاتمه ذکر دوتیکه رانیز ضروری می دانیم.

۱- مقاله نویسی از وفاداری ما به "دیکتاتور
پرولتاریا" صحبت کرده است. این حقیقتی است که
اتفاقا مقاله نویسی به درستی به آن دست گذاشته
است. گرچه ما این پدیده رانیز بدانگونه که مقاله
نویسی می خواهد تلقین کند "دگم" نکرده و نخواهیم
کرد.

۲- مقاله نویسی از تبعیت ما از "مجاهدین رجوی"
صحبت کرده است. اگر منظور از این تبعیت، دفاع
ما از مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی تام و تمام
رژیم ارتجاعی خمینی و تمام دسته بندیهای درونی آن
و نهادهای تشکیل دهنده آن و استقرار صلح، آزادی،
استقلال و دمکراسی است، البته ما به این تبعیت
با صدای بلند اعتراف کرده و هزاران بار بر آن افتخار
می کنیم و برخود می بالیم که هیچگاه ننگد تاشید
مذاکره و سازش با رژیم ارتجاعی خمینی را قبول
نکرده ایم. اما اگر مقاله نویسی از تبعیت، منظور
دیگری دارد که بیشتر شامل حال خود طرفداران کنگره
هشتم در رابطه با "قدرت" و "جریانات قدرتمند"
می گردد، باید بگوئیم که ما با اینگونه تبعیت ها
همیشه بیگانه بوده ایم و بیگانه خواهیم بود و این
سرکردگان طرفدار کنگره هشتم هستند که باید روشن
کنند با تبعیت از چه "قدرتی" و برای خوش آید
چه "جریان" پیشمرگان کردستان ایران را به مقابل
سلاحنه تهدید می کنند؟ آیا این پیشمرگان درصدد
کاری جز مبارزه مسلحانه علیه رژیم خمینی هستند؟
و آیا این مبارزه بسود مردم کردستان ایران نیست؟
و آیا وقتی مردم کردستان از مبارزه علیه رژیم خمینی
استقبال می کنند و رژیم ارتجاعی خمینی آنرا سرکوب
می کند، شما که پیشمرگان رزمنده را به مقابل
سلاحنه تهدید می کنید، بسود چه کسی در کردار
و گفتار موضع گیری کرده اید؟

تا با بلندترین بانگ در ستایش آزادی
یک خلق خشنام بخواند:
- آزادی ای عزیزترین همزاد!
همزاد باستانی انسان
ما با هزار بار دیداری برگ شدن
در فعلها و نسلهای پیاپی در این دیار سرانجام
بازی ترا،
از بند بزرگتر رها نمیم.
تا چهره تهنیب ترا
با لشکند بیوسیم!
بر دستمان دار چه بسیار بار بوسه زدیم!
اکنون به بند تازه حجاج واگذاریمت؟
آزادی ای رها شده بندی!
همزاد و همزاده هم سرنوشت بوده و هستیم
بند و نجات و زندگی ما یگانه است.

*
پیشانی دروغ مقدس
پیشانی فریب و کزاف بزرگ را
باران سنگباران فریادهای دمدم خلق
می شکند
خود می کند
و هیبت عدلیم به چشمان خویش می بیند
اندام خرد حرمت خود را که در سراسر آفاق شهر،
زین گونه سنگبار می شود و
نگه
می ریزد.
روی فروپ ریخته بر لخته های خون.
*
خون کبود شام.
از چهرهای طاق آفت می چکد.
مورشید با مدادی فردا،
آغاز دگرگونی است.

تلاشهای مذبوحانه خمینی

از ص ۲

بست فرو نبرد. بنظر میرسد که خمینی هیچ راه حل
ایده آلی ندارد. در این زمینه نام دولتر بیشتر از همه
برده میشود. بنظر مجاهدین خلق برایست که خمینی،
پسر بی لیاقت خود را به مزدورانش تحمیل خواهد
کرد. همچنین بسیاری از کمترین و تحلیل گران از
رفسنجانی در این رابطه نام خواهند برد. پیکاری که
اکنون در درون رژیم بر سر مسائل فوق وجود دارد، سخت
ترین و عمیق ترین درگیری بین گروه های گرسنه درون
رژیم است. اگر بر سر عدم ضرورت "مرجعت" بیسن
دسته بندیهای درون رژیم توافق حاصل شود، بر سر
فرد مورد نظر، توافق سختی ممکن است. در اینجا
مسلما خود خمینی باید به صحنه آید و هر تصمیمی
بگیرد بمثابه جام زهر دیگری خواهد بود که رژیم را
سرعت بسمت فروپاشی خواهد برد. خمینی اخیرا با
تصویب طرح سران رژیم در مورد مسائل اقتصادی، گرفتن
وام از منابع خارجی را تاشید کرد. این اقدام خمینی
گرچه بسیار نااهمیت و کاملا برخلاف زوزمهای "ضد
امپریالیستی" اوسود، اما از آنجا که بجز بخش
معدودی از مزدوران خمینی، چنگلی بر این اعتقاد
رسیده بودند که باید وام خارجی دریافت کنند، سبب
تشدید بیش از حد تضادها در درون رژیم نشد. اما هر
تصمیمی در مورد مساله زهری، وضع رژیم را بشدت
بدتر از بد خواهد کرد. خمینی مجبور است کسار
نوشیدن زهر را تا سرنگونی تام و تمام رژیمش ادامه
دهد.

دیروز کسروی، امروز رشتگی

از ص ۳

در روز ۲۰ تیرماه ۵۹ گفت: "کسروی آخری دیوانه
شده بود و ادعای پیغمبری می کرد" و قلم به مزدھنای
رژیم او نیز از آن پس بسیار رطب و یاس به هم بافتند.
حتی ناشر کتاب "تاریخ مشروطه ایران" - امیرکبیر -
در پیشگفتار ۲۴ صفحه ای بر چاپ چهاردهم این تاریخ
بسیار ارزنده، نوشت: "عقیده سخیف او سرانجام
جمله مردم مسلمان را برآورد و خشم انقلابیشان در
صفیر گلوله ای به دست یکی از فدائیان اسلام به حیات
اوپایان داد". البته در همان مقدمه ماهیت خود را
نشان داده و با کمال بھمزی نوشته است: "مشروطه
دست پخت استعمارگران و دفع فاسد به افسد" است
و سپس به نظیر محمدعلی شاه پرداخته و هرگونه
سازشهایی علیه او را "نادرست" (۱۶) خوانده است.
رنگ رگه است این آب شیرین و آب شور
در خلاق می رود تا نسیخ شور

منابع و توضیحات:
۱- فدائیان اسلام، سازمان وحدت کمونیستی، ص ۲۲.
۲- خمینی، صحیفه نور، ص ۴.
۳- کسروی، زندگانی من، چاپ دوم، ۱۳۲۵، ص ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵.
۴- کسروی، شمعگیری، چاپ فروردین ۶۱، ص ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴.
۵- کسروی، دادگاه، چاپ چهارم، تهران ۱۳۵۷، ص ۲۳.
۶- شمعگیری، ص ۳۵ و ۳۸.
۷- دادگاه، ص ۵۲.
۸- ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ - سرنوشت ایران چه خواهد شد؟ ص ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۸.
۹- کسروی، مجله ماهنامه، شماره بهمن و اسفند ۱۳۲۴.
۱۰- کسروی، تاریخ مشروطه ایران، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۶۲، مقدمه.

اخبار و رویدادها....

عرفات در فرانسه

روز ۲ مه امسال (۱۲ اردیبهشت) باسر عرفات، رئیس هیئت اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین و رئیس دولت فلسطین برای مذاکره و گفتگو با مقامات فرانسه وارد پاریس شد. بنین مناسبت تظاهرات بزرگی به حمایت از مبارزه مردم فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین در پاریس برگزار شد. باسر عرفات طی این سفر با فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه و نیز با نخست وزیر و تعدادی دیگر از مقامات دولتی، پارلمانی و حزبی فرانسه دیدار و گفتگو نمود. باسر عرفات طی یک مصاحبه مطبوعاتی مهم که در پاریس برگزار شد، اعلام نمود که منشور ملی فلسطین که برنامه قبلی ساق بر آن تنگی بود، با تصمیمات اخیر شورای ملی فلسطین، دیگر منسوخ شده است. محافل صهیونیستی در اعتراض به این مسافرت موفقیت آمیز تظاهرات و اکسیون های متعددی در پاریس برگزار انداختند.

جنبش دانشجویی در چین

جنبش دانشجویی در چین با خواست اصلاحات اساسی همزمان با بازدید میخائیل گورباچف از چین در اواسط ماه مه اوج جدیدی گرفت و در روزهای ۱۲ و ۱۸ مه، تعداد دانشجویان و سایر اقدار مردم گینه در تظاهرات شرکت کرده بودند، به یک میلیون نفر می رسید. در این روزها تعداد دانشجویانی که دست به اعتصاب غذا زدند، ۳۰۰ هزار نفر اعلام شد. روز ۱۸ مه امسال، دولت چین به اولین عقب نشینی در مقابل جنبش دانشجویی دست زد و وارد مذاکره با دانشجویان اعتمایی شد.

توصیه مشعشز کننده رفسنجانی به فلسطینی ها

رفسنجانی در روز جمعه ۱۵ اردیبهشت امسال (برابر با ۲۸ ماه رمضان و آخرین جمعه این ماه) در یک سخنرانی مسخره و مشعشز کننده، به فلسطینی ها توصیه کرد که نرازا هر شهید فلسطینی، ۵ شهروند امریکایی، انگلیسی و فرانسوی را ترور کنند. این سخنان رفسنجانی با تنفر و انزجار رهبران جنبش فلسطین، افکار عمومی کشورهای عربی و خاورمیانه، و فرسوا و جهان منعکس گشت. بطوریکه رفسنجانی چند روز بعد، بطرز شامدانه ای به توجیه سخنان خود و عقب نشینی در مقابل موج تنفر عمومی نسبت به حرفهایش پرداخت.

اندره ساخاروف به نمایندگی پارلمان اتحاد شوروی برگزیده شد. وی در جریان نوردوم رای گیری در آکادمی علوم اتحاد شوروی در اواسط ماه آوریل امسال، به نمایندگی پارلمان اتحاد شوروی انتخاب شد. آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، تعداد ۲۰ نماینده در پارلمان این کشور دارد که در جریان انتخابات اخیر، ساخاروف یکی از این کرسی ها را بخود اختصاص داد.

درس ۴

برخی از رویدادهای تاریخی

خرداد ماه

۲ خرداد ۱۳۵۱ - اعدام بمبگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، شهیدی قهرمان محمد حنیف نژاد - سعید حسن - علی اصغر بدمع زادگان - رسول مشکین قسام و محمود عسگری زاده توسط مزدوران رژیم شاه
۹ خرداد ۱۳۵۸ - سرکوب خلق عرب در خوزستان ایران توسط رژیم خمینی به فرماندهی تیمسار شاهنشاهی سید احمد مدنی (چهارشنبه سپاه)
۱۰ خرداد ۱۳۱۰ - تصویب قانون تد کمیونیستی معروف به قانون سپاه توسط رژیم رضا شاه
۱۲ خرداد ۱۳۴۲ - اعدام وحشیانه و دسته جمعی ۵۹ نفر از مردم قهرمان سپاه توسط مزدوران رژیم خمینی
۱۳ خرداد ۱۳۴۲ - انجام تیه کودتای بانداکیر کامیابی - حسین زهری علیه خط اصولی در سازمان اقلیت
۱۴ خرداد ۱۳۹۹ - سالروز اعلام جمهوری گیلان توسط میرزا کوچک خان
۱۵ خرداد ۱۳۴۲ - قیام خونین مردم تهران علیه دیکتاتوری شاه
۱۵ خرداد ۱۳۵۷ - درگذشت کاک عزیز موسوی از مبارزان پربا بقه دوران سپاه دیکتاتوری شاه پیس از آزادی اوزندان

۱۵ خرداد ۱۳۵۹ - اعلام تعطیل رسمی دانشگاه های سراسر کشور و هجوم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به خوابگاههای دانشجویان دانشگاهها در ادا مسه اقدامات ارتجاعی موسوم به انقلاب فرهنگی
۲۰ خرداد ۱۳۴۰ - تحول بنی بنی از فرماندهی کل شورای رژیم جمهوری اسلامی توسط علی
۲۰ خرداد ۱۳۹۹ - شهادت آیت الله سعیدی کوزنگجه - گاههای رژیم شاه
۲۳ خرداد ۱۳۵۹ - برگزاری میتینگ بزرگ توسط مجاهدین خلق در مسجد و انجام سخنرانی توسط سعید رجوی - در حمله جمالداران و مزدوران خمینی به این میتینگ، مملشیهای مجاهد مصطفی ذاکسری شهادت رسید.

۲۳ خرداد ۱۳۳۸ - اقتصاب ۲۰۰۰ نفری کارگران کسوره پرخانه های تهران و شهادت ۵۰ کارگر کوره پرخانه در برورش مزدوران رژیم محمد رضا شاه به اقتصاب کنندگان

۲۵ خرداد ۱۳۵۲ - شهادت مجاهد قهرمان رضا راشی در درگیری با مزدوران ساواک شاه درس ۹

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید.
HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090 U S A

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE



در برابر تندروی ایستاد خانه را روشن می کنند و می میرند.

شهیدای فدایی خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوودی - امیر پرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی حسن مصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - مریم شاهی - خسرو نرگل - حسین سلجی - مینا طالب زاده شوقتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام - سلیمان پیوسته حاجی بخله - نعمت با شعور - سعید سلطان پیروز - ماریا کاظمی - منصور فرما - مهدی پهلوان - شهرام سیرانی (در هند) - محمد رضا محمدیان بابا علی (کاک رشید) - حمید میرشکاری - ولی موسوی - منوچهر اویسی - جعفر قهریزاد - بهنوش آفرین - طوسی - سالهای ۴۹ تا کنون در خرداد ماه در درگیری با مزدوران امپریا لیس و ارتجاع شهادت رسیده ویا در زندانهای دژ خیمان ششگر شاه و خمینی اعدام شده اند.

اخباری از قتل عام زندانیان سیاسی

۱- عزت الله مغربی هنرمند معروف رامی و تلو بیوزین یکپخته بعد از اعدام فرزند مجاهدش سعید مغربی در اثر سخته فوت کرده است.
۲- در شماره گذشته نبرد خلق، اطلاعیه مورخه ۶۸/۱/۱۵ سازمان ما در رابطه با قتل عام زندانیان سیاسی چاپ شد. در آن اطلاعیه اساسی ۷۸ نفر از قربانیان این قتل عام که در دیگر مطبوعات فارسی زبان چاپ نشده بود، درج شد. اکنون اساسی جدید که تاکنون در مطبوعات فارسی زبان تا آنجا که ما در اختیار داشتیم چاپ شده برای اطلاع عمومی درج میشود.
۷۹- سعید خواجه پور - ۸۰- احمد اتراتی - ۸۱- جعفر شمشاد - ۸۲- جلال هوشیار - ۸۳- رسول رضاشیران - ۸۴- غلامحسین قائم پناه - ۸۵- گیوان شهید - ۸۶- غلام علی واحد - ۸۷- علی نعمتی - ۸۸- غلامحسین خازکن - ۸۹- رضا براتی - ۹۰- محمد حسین باقری - ۹۱- منصور نجانی - ۹۲- امیر میرعرب - ۹۳- حیدرزاد موسی - ۹۵- مصطفی فرهادی - ۹۶- رحیم جوادی

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، یا مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه تشریح واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
BOULOGNE - S - SEINE
نام بانک

03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب

MME: R-T-TALAT نام صاحب حساب